





Designing a Model of Skill-Oriented Education in Schools Based on the Real Needs of Society

- Atefeh Khosravi Rad**  Ph.D. Student in Educational Management, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. E-mail: ati.khosravirad@yahoo.com
- Ahmad Akbari***  *Corresponding Author*, Assistant Professor, Department of Education Science, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. E-mail: akbari.180@gmail.com
- Mohammad Karimi**  Assistant Professor, Department of Management, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. E-mail: Karimi.740@gmail.com
- Moslem Cherabin**  Assistant Professor, Department of Education Management, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. E-mail: Moslemch2015@gmail.com

ABSTRACT

The purpose of the current research is to design a model of skill-oriented education in schools based on the real needs of the society using data base theory. To answer this question, data-based theory research method was used with a qualitative approach and MaxQDA software was used for data analysis. The statistical population of the research was professors and experts in the fields of education management and skill-oriented education. The sampling method was of a targeted type that reached saturation by conducting 10 interviews with experts. The research tool was a semi-structured interview, the method of data analysis was theoretical coding derived from the foundation's data theorizing method. After coding, 198 open codes were extracted. The reliability of the interviews was calculated using Cohen's reliability method and the value was 0.74, which was confirmed. The results and findings of the research showed that the central phenomenon of skill-oriented education has three components that facilitate individual and social life; It is a value-creating skill and a human-building skill. The causal conditions that cause the emergence of the phenomenon of skill-oriented education model in schools based on the real needs of the society were classified into four categories. Background conditions had 5 main components. The appropriate strategies to achieve skill-oriented education based on the real needs of the society were placed in six categories, and finally, after the implementation of the model, the consequences of the implementation of the strategies in the four components of economic benefits; positive social and cultural consequences; Individual positive outcomes and educational outcomes were included

Keywords: Skill-based Education, Real Needs of Society, Value-creating Skills, Human-building Skills

Cite this Article: Khosravi Rad, A., Akbari, A., Karimi, M., & Cherabin, M. (2024). Designing a Model of Skill-Oriented Education in Schools Based on the Real Needs of Society. *Educational Leadership Research*, 7(28), 89-126. doi: 10.22054/JRLAT.2024.73746.1657



© 2016 by Allameh Tabataba'i University Press
Publisher: Allameh Tabataba'i University Press
DOI: 10.22054/JRLAT.2024.73746.1657

ارائه الگوی آموزش مهارت محور مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه

عاطفه خسروی راد

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. رایانامه: ati.khosravirad@yahoo.com

احمد اکبری *

نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. رایانامه: akbari.180@gmail.com

محمد کریمی

استادیار گروه مدیریت، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. رایانامه: Karimi.740@gmail.com

مسلم چرابین

استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. رایانامه: Moslemch2015@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر طراحی الگوی آموزش مهارت‌محور در مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه با استفاده از تئوری داده‌بنیاد است. برای پاسخ به این سؤال از روش پژوهش نظریه داده‌بنیاد و با رویکرد کیفی و برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MaxQDA استفاده شد؛ بنابراین پژوهش حاضر از نظر هدف در زمره پژوهش‌های بنیادی، از نظر روش تحلیل داده در زمره پژوهش‌های کیفی و از نظر گردآوری داده در زمره پژوهش‌های میدانی است. جامعه آماری پژوهش اساتید و خبرگان حوزه‌های مدیریت آموزش و آموزش مهارت‌محور بودند. روش نمونه‌گیری، از نوع هدفمند بود که در مجموع با انجام ۱۰ مصاحبه با خبرگان به اشباع رسید. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود، روش تحلیل داده‌ها، کدگذاری نظری برگرفته از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد بود. پس از انجام کدگذاری، ۱۹۸ کد باز استخراج شدند. پایایی مصاحبه‌ها با استفاده از روش پایایی کوهن مقدار ۰/۷۴ محاسبه شد که مورد تأیید قرار گرفت. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان داد که پدیده محوری آموزش مهارت‌محور دارای سه مؤلفه تسهیل‌کننده زندگی فردی و اجتماعی؛ مهارت ارزش‌آفرین و مهارت انسان‌ساز است. شرایط علی که سبب بروز پدیده الگوی آموزش مهارت‌محور در مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه می‌شود، در چهار دسته قرار گرفتند. شرایط زمینه‌ای دارای ۵ مؤلفه اصلی بود. راهبردهای مناسب برای دستیابی به آموزش مهارت‌محور بر مبنای نیازهای واقعی جامعه در شش دسته جای گرفتند و در نهایت پس از اجرای الگو، پیامدهای حاصل از اجرای راهبردها در چهار مؤلفه منافع اقتصادی؛ پیامدهای مثبت اجتماعی و فرهنگی؛ پیامدهای مثبت فردی و پیامدهای آموزشی جای گرفتند.

کلیدواژه‌ها: آموزش مهارت‌محور، نیازهای واقعی جامعه، مهارت ارزش‌آفرین، مهارت انسان‌ساز

استناد به این مقاله: خسروی راد، عاطفه، اکبری، احمد، کریمی، محمد، و چرابین، مسلم. (۱۴۰۲). ارائه الگوی آموزش مهارت محور مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه. پژوهش‌های رهبری آموزشی، ۲۸(۷)، ۸۹-۱۲۶.
doi: 10.22054/JRLAT.2024.73746.1657

مقدمه

افزایش بیکاری جوانان یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی جوامع امروزی در جهان است؛ به صورت مشابه برای کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه نیز این امر وجود دارد. در طول دهه آینده، باید حداقل ۴۷۵ میلیون شغل جدید برای جذب ۷۳ میلیون جوان که در حال حاضر بیکار هستند و ۴۰ میلیون نفر برای ورود سالانه جدید در بازار کار به وجود آید (Unesco, 2016-2021). با توجه به اینکه یکی از دلایل بیکاری در ایران فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی جویندگان کار است، ارائه آموزش‌های مهارتی نقش بسزایی در کاهش میزان بیکاری ایفا می‌کند (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۷).

فارغ‌التحصیلان ماهر که از طریق برنامه‌های حرفه‌ای آموزش تربیت می‌شوند برای اطمینان از رشد آینده اقتصادهای نوظهور حیاتی هستند (Jacobs et al., 2023). امروزه فارغ‌التحصیلان آموزش و پرورش به طیف گسترده‌ای از مهارت‌های قرن ۲۱ نیاز دارند تا در محل کار آینده خود پیشرفت کنند (Papier, 2021). مهارت‌های قرن بیست و یکم که به آن‌ها مهارت‌های قابل انتقال، اشتغال‌پذیری یا متقابل رشته‌ای نیز گفته می‌شود، طیف گسترده‌ای از شایستگی‌های مرتبط با عادات کاری، ویژگی‌های شخصی، روش‌های تفکر، فناوری و یادگیری را تشکیل می‌دهند (McGunagle & Zizka, 2020). فارغ‌التحصیلان با مهارت‌های قابل انتقال مورد نیاز بیشتر قابل استفاده هستند و انتظار می‌رود در محل کار قرن بیست و یکم و صنعت ۴,۰ سرآمد باشند (Li, 2022; Rakowska & de Juana, 2021; Espinosa, 2021).

ولی پرداختن به آموزش بدون توجه به نتایج حاصل از اثربخشی آن، بی‌شک امر بیهوده‌ای است. مطالعات و پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد هم‌اکنون نمایش تأثیرات و نتایج واقعی دوره‌های آموزشی به دغدغه‌ای تمام‌عیار برای واحدهای آموزشی تبدیل شده است؛ چه آنکه مدیران و سیاست‌گذاران سازمان‌ها در قبال هزینه‌ها و منابع صرف شده، خواهان گزارش‌های عملی و عینی درباره اثرگذاری واقعی دوره‌های آموزشی هستند. اگر مهارت‌های آموخته شده هرگز به محیط کار انتقال نیابد یا در شغل مورد تصدی و وظایف مرتبط با آن به کار بسته نشود، آموزش مهارت‌هایی را ایجاد کرده است که هیچ نفعی برای جامعه به همراه ندارد (لطفی جلال‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸).

امروزه، توسعه مهارت‌های قابل انتقال، به ویژه مهارت‌های مرتبط با تعامل و ارتباطات انسان-فناوری، یک نتیجه حیاتی از آموزش حرفه‌ای موفق برای برآورده کردن خواسته‌های صنعت مخصوصاً در جوامع اقتصادی نوظهور است (Jacobs؛ Spöttl & Windelband, 2021). هرچند در سه دهه گذشته تلاش‌های وافر و قابل تقدیری از سوی مسئولان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور به عمل آمد که خوشبختانه نتایج مثبت و مفیدی نیز برجای گذاشته است، لیکن هنوز آموزش و پرورش با چالش‌های جدی روبه‌رو است و برونداد آن در طراز جمهوری اسلامی ایران و پاسخگوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نیست (صادقی گوغری و همکاران، ۱۳۹۹). مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که سازمان‌های آموزش‌دهنده مهارت باید بر اساس چه الگویی مهارت‌های خود را به افراد ارائه دهند تا به خروجی موفق منجر شود (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ و به بیان دیگر تاکنون مدل علمی و عملیاتی توسعه آموزش‌های مهارتی ارائه نشده است (کاوسی و حسینی راد، ۱۳۹۶). بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته در جهان و حتی کشورهای در حال توسعه با بازنگری در سیستم آموزشی خود، نظام‌های آموزشی جدیدی را تعریف کرده‌اند که این نظام آموزشی بتواند نیازهای واقعی جامعه را پوشش داده و رفع کند؛ اما نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران هنوز بر پایه نظام آموزشی نظری و تکلیف محور باقی مانده است. برای رفع این نیاز در کشور پژوهش‌هایی نظیر کیا لاشکی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان ارائه الگوی آموزش‌های مهارتی اثربخش جهت ارتقای آموزش در مراکز علمی کاربردی؛ ادیب منش و صدر (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی دانش آموزان دوره ابتدایی؛ محمدیان و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان نقش تکالیف مهارت محور در پرورش مهارت‌های زندگی دانش آموزان دوره اول ابتدایی؛ ناصری آلاشتی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان الگوی بومی سازی برندینگ مهارت آموزی و کارآفرینی فردی و اجتماعی در مدارس ایران؛ لطفی جلال آبادی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی که تحت عنوان طراحی الگوی مهارت محوری برای دانشجویان فنی و حرفه‌ای با استفاده از نظریه داده بنیاد؛ اکبری لنگوری و احمدی بالف (۱۳۹۸) تحت عنوان چرا تکالیف مهارت محور؛ محمدی و رحمانی (۱۳۹۸) پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر تکالیف مهارت محور و خلاق بر میزان یادگیری دانش آموزان ابتدایی و دیگر پژوهش‌ها ارائه شده است؛ اما در هیچ یک از این پژوهش‌ها در

زمینه نیازهای واقعی جامعه و مهارت محوری دانش آموزان بر این مبنا سخنی به میان نیامده است و نیاز روزافزون جامعه ایران، به انجام پژوهش‌هایی منسجم برای پر کردن این خلأ پژوهشی احساس می‌شود. می‌توان این‌گونه بیان نمود که برای پر کردن یک فاصله، یعنی فاصله تکلیف محوری تا مهارت محوری نیازمند چراغ هدایتی هستیم که به ما کمک کند تا مسیر را درست طی کنیم. این چراغ هدایت نوعی برنامه‌ریزی آموزشی با نگاه راهبردی است که از دل پژوهش‌های حوزه نظام آموزش و پرورش استخراج خواهد شد. شاید نیاز باشد تا بررسی‌های بسیار زیادی در حوزه نظام آموزش و پرورش مهارت محور صورت بگیرد. اهمیت این پژوهش‌ها زمانی بیشتر نمایان می‌شود که مقایسه ساده از بازار کار بین کشور خود و کشورهای هم‌تراز خود داشته باشیم و نرخ اشتغال و نرخ بیکاری و جمعیت مولد و کارگر کشور را با کشورهای هم‌تراز خود مقایسه کنیم. در بسیاری از شاخص‌های ذکر شده این درد نهفته است که نظام آموزشی ما کارآمد عمل نمی‌کند، عدم کارایی و اثربخشی نامناسب نظام آموزشی به دلیل سبک نظام آموزشی است که چندین سال بدون تغییر باقی مانده است و فقط به دانش آموز و دانشجو حفظ کردن را یاد می‌دهد. باید این رویه تغییر کند و برای تغییر این رویه نیاز به الگوی جایگزین هستیم، الگویی جایگزین که با نگاه به جامعه، فرهنگ و بافت آموزشی کشور در راستای رفع نیازهای آموزشی کشور ارائه گردد. این الگوی آموزشی، الگوی آموزشی مهارت محور است که در این پژوهش به دنبال بررسی همه‌جانبه آن و ارائه آن برای نظام آموزشی کشور هستیم.

پیشینه پژوهش

دیجیتالی شدن و افزایش خودکارسازی، صنعت^۱ ۴,۰؛ محل کار آینده فارغ‌التحصیلان را شکل خواهد داد؛ بنابراین ارائه فارغ‌التحصیلان شاغل با توانایی برآوردن نیازهای حیاتی صنعت از دیدگاه سهامداران بسیار مهم است (Jacobs et al., 2023).

برنامه‌های حرفه‌ای به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دانش آموزان را در معرض کلاس‌های نظری و عملی قرار دهند که شامل مهارت‌های فنی و دانش محتوایی مرتبط با یک حرفه، حرفه یا رشته خاص است (Mikkonen et al., 2017). ارزش آموزش و آموزش مبتنی بر مهارت که در برنامه‌های حرفه‌ای گنجانده شده است، بسیار مهم است زیرا فارغ‌التحصیلان

را برای موقعیت‌های خاص در صنعت آموزش می‌دهد و آماده می‌کند (Mulder, 2017). دانش‌آموزانی که در معرض آموزش‌های مبتنی بر مهارت قرار می‌گیرند، برای ورود به دنیای کار آماده می‌شوند و سطح دانش و مهارت آن‌ها انتقال نرم‌تری را فراهم می‌کند (Bakare, 2018). چنین فارغ‌التحصیلانی معمولاً صلاحیت دارند و می‌توانند بلافاصله و به‌طور مستقل در صنعت شروع به کار کنند (Mikkonen et al., 2017; Peters, 2022). در برآوردن الزامات صنعت، برنامه‌های حرفه‌ای طوری تنظیم شده‌اند که شامل توسعه مهارت‌های قابل‌انتقال موردنیاز برای آماده‌سازی موفقیت‌آمیز دانش‌آموزان برای محل کار باشد (Mulder, 2017).

فرهنگ سیاست‌های جامع آموزشی و تحصیلاتی اروپا^۱ (2008) مهارت را به‌عنوان توانایی انجام وظایف و حل مشکلات تعریف می‌کند. بنا به تعریف Abayomi Olumade (2013)، آموزش فنی و مهارتی، آموزشی است که دانش و مهارت‌های عملی موردنیاز برای کسب و کاری خاص، استخدام شدن یا ماهر و متخصص شدن در کسب و کار فعلی ارائه می‌دهد. این نوع آموزش به جنبه‌هایی از آموزش اشاره دارد که به کسب مهارت‌های کاربردی و عملی و دانش علمی پایه در زمینه شغل منجر می‌شود. سازمان یونسکو (1999) در همایش عمومی آموزش فنی و حرفه‌ای مشترک بین یونسکو و سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۱؛ آموزش فنی و مهارتی را این‌گونه تعریف نمود: «جنبه‌های مختلفی از فرایند آموزش، علاوه بر آموزش عمومی، آموزش فناوری‌ها و علوم مرتبط با فناوری، کسب مهارت‌های عملی و دانش مرتبط با شغل در بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی» (عطارنیا و همکاران، ۱۳۹۳). برای درک هر چه بهتر اصطلاح مرکب «آموزش‌های مهارتی» شایسته است اجزای تشکیل‌دهنده آن را دقیق‌تر بشناسیم. آموزش را کوششی دانسته‌اند که با هدف تغییر رفتار از طریق فرایند یادگیری انجام می‌شود و دانش، معرفت و مهارت لازم برای انجام رفتار مورد انتظار را به صورتی نسبتاً پایدار ایجاد می‌کند. از سوی دیگر واژه مهارت به کلیه توانایی‌های قابل پرورش افراد اطلاق می‌گردد که بر عملکرد کاری آنان تأثیرگذار است و برای اجرای وظایف شغلی یا انجام کاری در شرایط تعیین شده، لازم هستند. بر این اساس می‌توان منظور از آموزش‌های مهارتی را مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی دانست که توانایی‌های ضروری برای انجام وظایف شغلی و یا بروز رفتارهای مورد انتظار از

مهارت آموز را تقویت کرده و به صورتی نسبتاً پایدار، بهبود می بخشد. همچنین بر طبق تعریف سازمان بین المللی یونسکو، آموزش مهارتی به جنبه های مختلفی از فرایند آموزش گفته می شود که علاوه بر آموزش عمومی، به آموزش فناوری ها و علوم مرتبط با فناوری نیز کسب مهارت های عملی و دانش مرتبط با شغل در بخش های مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی انسان می پردازد. برخی دیگر از تعاریف ارائه شده از مفهوم «آموزش های مهارتی» یا «آموزش های فنی و حرفه ای» به این ترتیب قابل ذکر هستند:

- فعالیت های آموزشی خاصی که فرد را برای احراز شغل، حرفه یا کسب و کار آماده می کند و یا کارایی و توانایی وی را در انجام آن ها افزایش می دهد.
- آموزشی که دانش و مهارت های عملی مورد نیاز برای کسب و کاری خاص، استخدام شدن در شغل جدید یا افزایش تخصص در کار فعلی را ارائه می دهد.
- فعالیتی آموزشی که با هدف شناسایی و توسعه ظرفیت های انسانی و به منظور برخورداری از زندگی کاری خلاق و رضایت بخش انجام می گردد.
- مجموعه آموزش هایی که سبب ارتقای دانش و مهارت افراد شده و امکان به فعلیت رساندن استعداد های نهفته آنان را افزایش می دهد.
- نوعی آموزش رسمی با هدف تأمین دانش و مهارت های مورد نیاز در فرایندهای تولیدی و آماده سازی افراد برای انجام مشاغل.
- گونه ای خاص از آموزش که به کسب مهارت های کاربردی و عملی و دانش علمی پایه درباره شغل منجر می گردد (کارگر شورکی و همکاران، ۱۳۹۶).

پژوهش هایی بر روی دانش آموزان برای شناسایی مهارت های مورد نیاز در عصر حاضر انجام شده است. در چندین مطالعه شامل Frichtel (2017)؛ Teng و همکاران (2019) و Tharumaraj و همکاران (2018) مهارت های مشترک ارتباطی، کار گروهی و خلاقیت را به عنوان شایستگی هایی که احساس می کردند برای آینده شان حیاتی تر است شناسایی کردند (Kovalevsky, 2020). به عنوان مثال در پژوهش Frichtel (2017)، ۲۷ دانش آموز ابتدایی تجربیات خود را از کلاس رقص هفتگی در مدرسه به صورت مکتوب ثبت کردند. محققان با توصیف و نشان دادن ناامیدی ها، شادی ها و موفقیت های خود، رشد دانش آموزان را در ارتباطات، کار گروهی و خلاقیت مشاهده کردند، زیرا دانش آموزان از یکدیگر یاد می گرفتند و از یکدیگر یاد می گرفتند و به انتقاد و تمجید معلمان و همسالان پاسخ می دادند.

با استفاده از روش کمی Tharumaraj و همکاران (2018)، ۱۹۷ دانش‌آموز دبیرستانی مالزیایی را مورد بررسی قرار دادند. نوجوانان با بازتاب کودکان ابتدایی در شناسایی همان سه مهارت، سواد دیجیتال، نوآوری، حل مسئله و تفکر انتقادی را به‌عنوان مهارت‌هایی که پیش‌بینی می‌کردند برای آینده خود ضروری‌ترین مهارت‌ها هستند، اضافه کردند. با مشارکت بیشتر در این تحقیق، در یک نظرسنجی آنلاین، ۳۶۱ دانشجوی مالزیایی و چینی موافق بودند و دوباره ارتباط، کار گروهی و خلاقیت را به‌عنوان مهم‌ترین مهارت‌ها برجسته کردند.

شرکت‌کنندگان به همان اندازه مهم شامل تفکر انتقادی، خودمدیریتی، مهارت‌های بین‌فردی، توانایی کار تحت فشار، تمایل به یادگیری، توجه به جزئیات، مسئولیت‌پذیری، سازمان‌دهی، بینش، بلوغ، حرفه‌ای بودن و هوش هیجانی به‌عنوان مهارت‌های ارزشمند بودند. Teng و همکاران (2019) با ثبت نتایج مشابه، در یک مطالعه تجربی پیش‌آزمون - پس‌آزمون با استفاده از فعالیت‌های یادگیری پروژه محور STEM، ۲۲ دانش‌آموز دبیرستانی ترکیه نشان دادند که مهارت‌های یکسان برای آن‌ها مهم است.

علاوه بر این، ۱۰۶ فارغ‌التحصیل کالج کسب‌وکار گزارش دادند که مهارت‌های ارائه، رهبری و مهارت‌های حل مسئله باید در کلاس‌های کارشناسی خود تأکید بیشتری شود. سایر محققان خاطرنشان کردند که در ۲۰ سال گذشته، ارزشی که فارغ‌التحصیلان برای مهارت‌های قرن ۲۱ قائل بودند افزایش یافته است. جالب‌توجه است که دانش‌آموزان در تمام گروه‌های سنی، از ابتدایی تا کالج و فارغ‌التحصیلان، مهارت‌های قرن بیست و یکم ارتباط، کار گروهی و خلاقیت را برای موفقیت آینده‌شان حیاتی می‌دانند (Kovalevsky, 2020). علاوه بر این، صنایع به دلیل مهارت‌های نرم ناکافی، مانند مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های رهبری، مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های تفکر انتقادی و مهارت‌های مدیریت منابع، با فارغ‌التحصیلان با مشکلاتی مواجه هستند؛ بنابراین دانش‌آموزان باید علاوه بر مهارت‌های سخت، مهارت‌های نرم را نیز بیاموزند. در نتیجه، تأکید مؤسسات یادگیری امروزه بر روش‌های آموزشی است که مشارکت فعال فراگیران را در فرایندهای یاددهی - یادگیری تقویت می‌کند تا مهارت‌های نرم را در بین دانش‌آموزان گنجانده شود (Dogara et al, 2020).

Jacobs و همکاران (2023) نشان دادند که اگرچه دانش آموزان مجبور بودند در طول همه گیری کرونا به کلاس های آنلاین تکیه کنند، اما همچنان مهارت های قابل انتقال حیاتی از جمله ارتباطات، کار تیمی، سازمان دهی، خود مدیریتی، انعطاف پذیری، فناوری، فراشناخت و حل مسئله را توسعه دادند.

Papier (2020) این گونه بیان کرد که توافق کلی در مورد نیاز به آموزش و پرورش حرفه ای برای پذیرش فناوری های به اصطلاح مدرن در آماده سازی برای ارائه طیف وسیعی از شایستگی های قرن ۲۱ به جوانان وجود دارد که از جمله آن ها سواد دیجیتال، یادگیری خودگردان و یادگیری تطبیقی هستند.

Dogara و همکاران (2020) نشان داد که آماده سازی (برنامه ریزی و طراحی)، نظارت و ارزیابی WBL هر کدام تأثیر مثبتی دارند. توسعه مهارت های نرم در بین دانشجویان دانشکده فنی از طریق توصیه بر اساس یافته های مطالعه، دولت باید سیاست های مناسبی را برای ارتقای برنامه ریزی و طراحی در برنامه های WBL، به ویژه برای رفع نیازهای دانشجویان برای تلفیق کافی مهارت های نرم در دانشکده های فنی، تدوین و اجرا کند. معلمان فنی می توانند عناصر شناخته شده توسط WBL را در ادغام تجربیات محل کار برای ارتقاء موفقیت آمیز مهارت های نرم دانش آموزان در دانشکده های فنی به کار گیرند.

Care و همکاران (2018) پژوهشی تحت عنوان همسویی نظام آموزشی برای مهارت های قرن بیست و یکم: تمرکز بر ارزیابی انجام دادند. این مقاله نمونه های جهانی، منطقه ای و ملی این تغییر را توصیف می کرد و سپس بر چالش های اجرایی تمرکز می کند. این مقاله به صراحت بر موضوع ارزشیابی تمرکز کرد، اما تأکید می کند که هر اصلاح عمده در تغییر فلسفه آموزشی باید همسویی در سراسر حوزه های برنامه درسی، آموزشی و ارزشیابی را تضمین کند. تأکیدهای مختلف کشورهای برنامه درسی، آموزشی و ارزشیابی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا اکثر کشورهای سراسر جهان نحوه برخورد با این چالش ها را بررسی می کنند. این مثال ها به این نتیجه می رسند که مدل های پیشرفت یادگیری کلیدی برای اطمینان از همسویی از طریق سیستم ارائه آموزش هستند.

Parry and Hayden (2015) بیان کردند که در زمینه رشد سریع اقتصادی، سیستم های توسعه مهارت ها در واکنش به شکاف های مهارتی ناشی از تغییر شرایط بازار کار برای

کشورهای آسیای جنوب شرقی اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده‌اند و کشورهای منطقه چاره‌ای جز سرمایه‌گذاری در توسعه و نگهداری آنان ندارند.

Ofoha (2011) نشان داد که دانش‌آموزان نمونه مهارت‌های کارآفرینی قابل اشتغال قابل توجه در ۶ زمینه از ۳۶ حوزه شغلی را آموخته‌اند. همچنین، توانایی کارآفرینی آن‌ها پایین یافت، زیرا تولید قابل توجهی از کالاها و خدمات قابل فروش برای دانش عملی آن‌ها وجود ندارد. این مطالعه، در میان بقیه افراد، ادغام آموزش کارآفرینی در روند یادگیری-یادگیری را توصیه می‌کند، زیرا این امر دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا در شناسایی فرصت‌های کارآفرینی انگیزه داشته باشند.

کیا لاشکی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان ارائه الگوی آموزش‌های مهارتی اثربخش جهت ارتقای آموزش در مراکز علمی کاربردی انجام دادند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که در مجموع ۶ بعد اهداف شغلی، مربی، محیط، دانشجو، محتوا و مدیریت، ۲۸ مؤلفه و ۲۵۲ شاخص از ابعاد الگوی آموزش‌های مهارتی اثربخش می‌باشند.

ادیب منش و صدر (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام دادند. پژوهش آنان به طراحی الگوی مطلوب ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی پرداخت. روش تحقیق کیفی و از نوع پدیدارشناسی بود. شرکت‌کنندگان را ۱۵ نفر از صاحب‌نظران آموزش ابتدایی تشکیل می‌دادند برای تحلیل داده‌ها، از تحلیل محتوای کیفی از نوع تفسیری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان ابتدایی، در قالب سه زمینه کلی دانش، نگرش و توانش و توسط چهار عنصر هدف، محتوا، روش و ارزشیابی انجام می‌گیرد. بر این اساس، دانش، نگرش و توانش در یک ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند و همچنین عناصر اشاره شده برنامه درسی مهارت‌های زندگی در یک ارتباط چرخه‌ای قرار دارند که از هدف شروع شده و به ارزشیابی ختم می‌شوند و نتایج حاصل از ارزشیابی به صورت بازخورد به تدوین و بازنگری اهداف می‌انجامد. همچنین الگوی طراحی شده نشان داد که دوره ابتدایی، دوره پایه‌ریزی ساختار-شخصیتی، شکل‌گیری رشد عقلانی، اجتماعی و عاطفی و شخصیت آدمی و توسعه مهارت‌های بنیادی و حرکتی است، بنابراین لازم است به برنامه درسی مهارت‌های زندگی، ابعاد دانش، نگرش و مهارت به موازات هم و به‌طور یکسان مورد توجه قرار گیرند.

محمدیان و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان نقش تکالیف مهارت محور در پرورش مهارت‌های زندگی دانش آموزان دوره اول ابتدایی انجام دادند. از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش این است که تکالیف مهارت محور با پرهیز از حافظه محوری، افزایش نشاط و لذت بردن از یادگیری، کاهش نگرانی‌های مخرب ناشی از انجام تکالیف سنتی، کاهش وزن کیف و جلوگیری از آسیب‌های جسمانی، ایجاد زمینه استمرار یادگیری دانش آموزان در داخل و خارج از مدرسه و معنادار سازی یادگیری موجب تقویت مهارت‌های زندگی و ارتقای سطح سلامت دانش آموزان دوره اول ابتدایی می‌شود.

ناصری آلاشتی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که تأثیر تمامی ابعاد عوامل داخلی و خارجی بر برند سازی مهارت آموزی در جهت کارآفرینی فردی و اجتماعی مورد تأیید واقع شدند.

لطفی جلال‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸) بیان کردند که فاصله بین بخش صنعت و آموزش‌های دانشگاهی و نبود انطباق این آموزش‌ها با نیازهای بازار کار، منجر به افزایش مستمر بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی می‌شود؛ یافته‌های تحقیق در شش مقوله، مقوله‌های علی، مقوله‌های راهبردی، مقوله‌های زمینه‌ای، مقوله‌های مداخله‌گر و پیامدها تقسیم‌بندی و پیشنهادهایی در این زمینه ارائه شد.

در پژوهشی که اکبری لنگوری و احمدی بالف (۱۳۹۸) بیان کردند که تکلیف درسی همواره به‌عنوان یکی از عوامل مهم در تحقق یادگیری مطرح بوده و در هر دوره متناسب با برداشتی که از یادگیری وجود داشته، شکل و نوع تکلیف نیز متفاوت بوده است. آنچه از این پژوهش برمی‌آید، حاکی از آن است که تکالیف مهارت محور می‌تواند دانش آموزان را برای زندگی در جامعه آماده کرده و لذت یادگیری را در آنان افزایش دهد.

یافته‌های پژوهش محمدی و رحمانی (۱۳۹۸) حاکی از آن بود که تکلیف مهارت محور با پرهیز از حافظه محوری، افزایش نشاط و شوق یادگیری، کاهش استرس مخرب ناشی از تکالیف سنتی، کاهش وزن کیف دانش آموزان و تقویت مهارت‌های زندگی در دانش آموزان محسوب شده و موجب تثبیت، توسعه یادگیری مادام‌العمر و افزایش اعتماد به نفس در دانش آموزان می‌شود.

مقیم و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان ارائه الگوی آموزش مهارت محور جهت توسعه کارآفرینی رسانه‌ای انجام دادند. نتایج نشان داد: مهم‌ترین نگرانی

مصاحبه‌شوندگان، نداشتن مهارت در افراد است. از این رو کسب مهارت، با مقولات اصلی منابع مالی، انسانی، آموزشی، مرکز آموزش، سازمان و خانواده، به‌عنوان مقوله محوری پژوهش تعیین شد.

نماینده و همکاران (۱۳۹۷) بیان کردند که مفهوم یادگیری مبتنی بر کار به‌طور فزاینده‌ای در سال‌های اخیر راه خود را در سیاست‌های آموزش و پرورش حرفه‌ای باز کرده است.

ایزدی و کوشکی (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان شناسایی و واکاوی شاخص‌های عمده در زمینه ارتقای مفهومی نظام آموزش‌های مهارتی به نهضت ملی مهارت آموزش در کشور ایران با بهره‌گیری از روش AHP انجام دادند. این تحقیق در راستای دستیابی به توسعه پایدار و بررسی چرایی و چگونگی تحقق فرضیه ارتقای مفهومی نظام آموزش‌های مهارتی به یک نهضت (رویداد) ملی مهارت آموزش در کشور ایران صورت پذیرفته است و در آن با استفاده از ۷ شاخص اصلی (در ابعاد کارت امتیازی متوازن و ابعاد پایداری) و ۴۹ شاخص فرعی، نظرات ۴۰ نفر از خبرگان متخصص در حوزه‌های مهندسی اجتماعی، تحقیق و توسعه، صنعت، خدمات، کارآفرینی، کشاورزی و فرهنگ و هنر و... با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری چند معیاره AHP مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در پژوهشی که کاوسی و حسینی راد (۱۳۹۶) تحت عنوان ارائه مدلی برای توسعه آموزش‌های مهارتی در سازمان انجام داد. مدل نهایی توسعه آموزش‌های مهارتی در سه سطح فردی، گروهی سازمانی شامل مؤلفه‌های آموزش‌های مهارتی اقتصادی، آموزش‌های مهارتی اجتماعی، آموزش‌های مهارت‌های تکنولوژیک، آموزش‌های مهارت‌های سیاسی و آموزشی مهارتی فرهنگی ارائه شد که متناسب با هر یک پیشنهادهاى جداگانه‌ای ارائه شد.

در پژوهشی که ادهم مهدی و شفیع‌زاده (۱۳۹۵) تحت عنوان بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و راهبردهای آموزش‌های مهارتی در ایران انجام دادند. بر اساس نتایج، سه مورد از مهم‌ترین چالش‌های آموزش مهارتی در کشور عبارت است از: فقدان مدل توسعه آموزش عالی، مشخص نبودن میزان سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزش عالی کشور و فقدان مهارت‌های لازم در دانش‌آموختگان مراکز مهارت‌آموزی. سه مورد از مهم‌ترین راهبردهای آموزش مهارتی در کشور عبارت است از: تدوین و تنظیم سیاست‌های کلی آموزش‌های مهارتی، امکان افزایش ۵۰ درصدی سهم آموزش‌های مهارتی در برنامه ششم توسعه کشور

و همگرا کردن سیاست‌ها و تصمیم‌های مربوط به آموزش‌های مهارتی با تأسیس «شورای ملی مهارت».

باقری فر و صالحی (۱۳۹۵) نتایج نشان دادند که ۱۰ چالش عمده در روند مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین هنرستان‌ها وجود دارد. از جمله این چالش می‌توان «به‌روز نبودن تجهیزات کارگاهی و کتب درسی»؛ «ناکافی بودن منابع مالی»؛ «به‌روز نبودن روش‌های آموزشی هنرآموزان»؛ «عدم جذب دانش‌آموز مستعد و علاقه‌مند»؛ «نبودن زمان کافی برای مهارت‌آموزی»؛ «دیدگاه منفی والدین نسبت به هنرستان‌ها»؛ «عدم ارتباط لازم بین مهارت آموخته‌شده با نیازهای بازار کار»؛ «مشکل ادامه تحصیل» و «حمایت ناکافی رسانه‌ها از مهارت‌آموزی» را نام برد که هر یک، مشکلات بسیار جدی در پویایی فرایند مهارت‌آموزی هنرستان‌ها و تربیت هنرجویان کارآفرین ایجاد کرده است.

تقوی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان نیازسنجی آموزش‌های مهارتی بر اساس سند آمایش سرزمین در بخش صنعت (مطالعه موردی: شهرستان‌های ساری و قائم‌شهر) انجام دادند. نتایج تحقیق، دوره‌های موردنیاز بخش صنعت شهرستان‌های ساری و قائم‌شهر را بر اساس سند آمایش سرزمین استان نشان داد که از میان دوره‌های استخراج‌شده، به ترتیب دوره‌های آموزشی اصول بازاریابی، حسابداری مالی، بهینه‌سازی مصرف انرژی و نگهداری تجهیزات در واحدهای صنعتی از دیدگاه صاحبان صنایع، اساتید و کارشناسان دارای بیشترین اولویت بوده‌اند.

مهدی (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان جایگاه مهارت‌آموزی در دانشگاه‌های نسل سوم انجام داد. آن‌ها بیان کردند که دانشگاه مدرن از بدو پیدایش، سه نسل مختلف را تجربه کرده است. بر اساس این تحقیق، شکل‌گیری و اثربخشی دانشگاه کارآفرین، بدون توسعه نظام‌مند آموزش کارآفرینی و مهارت‌آموزی مؤثر دانشجویان، استادان، مدیران و کارکنان نظام دانشگاهی و تقویت ویژگی‌های کارآفرینی منابع انسانی دانشگاه، امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، یکی از وجوه و منظرهای کلیدی دانشگاه نسل سوم (کارآفرین)، توسعه مهارت‌های شغلی، حرفه‌ای و شایستگی‌های و توانمندسازی دانشجویان و استادان همسو با فرایند توسعه ملی و حل مسائل جامعه به روش علمی است.

قاسمیان (۱۳۹۴) بیان می‌کند که از مهم‌ترین مسائل مبتلا به بازار کار کشور آن است که دانشگاه‌ها در رشته‌های گوناگونی بدون توجه به نیاز واقعی بازار کار دانشجو تربیت می‌کنند،

اما بازار کار تنها به آن بخشی از فارغ‌التحصیلان توجه دارد که بتواند نیاز واقعی خود به نیروی کار را برطرف کند. ناتوانی دانشگاه‌ها یا بی‌توجهی دانشجویان به لزوم کسب مهارت‌های شغلی موردنیاز بازار کار، باعث شده تا همواره نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که انتظار می‌رود در وضعیت مناسبی باشد، بیش از سایر گروه‌ها و تا دو برابر متوسط نرخ بیکاری کشور باشد. در این میان آموزش‌های مهارتی نقش مهمی را در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروی کار ماهر موردنیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند.

سلیمی و همکاران (۱۳۹۴) مروری بر مطالعات نشان دادند که در بین پژوهش‌ها، موضوع ارائه مدل و یا چارچوب استاندارد برگزاری آزمون‌های عملی مهارت در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است و موضوعی جدید در ادبیات آموزش‌های سازمان به شمار می‌رود.

گودینی (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان افزایش میزان گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار به مراکز فنی و حرفه‌ای برای طی دوره مهارت‌آموزی در رشته‌های مختلف و خوداشتغالی در سال‌های اخیر (یک بررسی چهارساله). انجام دادند. او با توجه به مقادیر به‌دست آمده گفت در شرایط فعلی روزبه‌روز بر میزان اهمیت و علاقه‌مندی به سپری کردن دوره‌های مهارت‌آموزی کاربردی در سازمان در بین اقشار جوان و تحصیل کرده با گرایش‌های مختلف بیشتر می‌شود.

میر قادری (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان بررسی مهارت‌آموزی و اشتغال در خوشه‌های صنعتی از دیدگاه پویایی‌شناسی سیستم انجام داد. وی بیان کرد که خوشه سازی بنگاه‌های تولیدی یکی از راهبردهای توسعه صنعتی است که به‌تازگی از سوی مراکز آکادمیک و سیاست‌گذاران مورد اقبال زیادی واقع شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که چرخه‌های علی توسعه اشتغال و مهارت‌آموزی در خوشه‌های صنعتی به‌هم پیوسته و دارای متغیرهای اثرگذار مشترک است. روابط علی به‌گونه‌ای است که اثر متغیرها بر سطح اشتغال و مهارت خوشه یکسان است، به‌جز تکنولوژی که دارای اثر متفاوت بر این دو متغیر است. بر اساس یافته‌های تحقیق، دولت بایستی در راستای افزایش تقاضای محصول خوشه گام بردارد تا در نتیجه چرخه‌های علی، سطح اشتغال به‌طور طبیعی افزایش یابد.

خاوری و گرزین (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان آسیب‌شناسی نظام آموزش مهارتی انجام دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود آسیب‌های متعدد در هر دو نوع بیرونی و درونی اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای بود. مهم‌ترین این آسیب‌ها، عدم هماهنگی آموزش‌ها با نیاز بازار کار، کمبود افراد متخصص برای ارائه برخی از آموزش‌های مهارتی، کمبود تسهیلات مالی و اعتباری است، از دیگر آسیب‌ها عدم به‌روزرسانی امکانات و تجهیزات موردنیاز آموزش، عدم مواد مصرفی مکفی برای انجام کارهای کارگاهی و همین‌طور عدم حمایت از افراد کارآفرین و نخبه‌مهارتی است.

صالحی عمران (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان آسیب‌شناسی مدیریت آموزش‌های مهارتی کشور انجام داد. دو عامل «نبود یک سیاست‌گذار کلان نیروی انسانی در کشور» و «عدم هماهنگی نهادهای مختلف ارائه‌کننده خدمات آموزش مهارتی در جامعه» مهم‌ترین آسیب در بعد ساختاری شناخته شدند. در بعد رفتاری و محتوایی هم مهم‌ترین آسیب عوامل «عدم دسترسی کافی به اطلاعات بازار کار» و «عدم بهره‌مندی نظام آموزش مهارت از منابع انسانی مناسب این نظام» شناخته شدند. در بعد محیطی و زمینه‌ای، عوامل «دخالت قدرت سیاسیون در توسعه کمی آموزش‌های مهارتی» و «تقاضامحور نبودن آموزش‌های مهارتی، چالش اصلی آموزش‌های مهارتی است» که جزو مهم‌ترین آسیب‌های نظام آموزش مهارتی کشور قرار گرفتند.

فرخی (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان آینده‌پژوهی در توسعه آموزش‌های مهارت بنیان تقاضامحور انجام دادند. وی بیان کرد که تعیین تقاضای نیروی کار در بخش‌های مختلف اقتصادی برای سال‌های آتی، در حقیقت پیش‌بینی نیروی انسانی برای عرضه آموزش‌های مهارت بنیان و برنامه‌های کمی توسعه‌ای با رویکرد آینده‌پژوهی بود.

روش

با توجه به این امر که پژوهش پیش رو به دنبال شناسایی و تبیین آموزش مهارت‌محور در مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه با استفاده از نظریه داده‌بنیاد و ارائه الگویی برای آن است، از نظر هدف بنیادی و از نظر نتیجه، جزو پژوهش‌های اکتشافی است که با استفاده از رویکرد کیفی صورت گرفته است و به دلیل جدید بودن موضوع پژوهش، دانش کم و نیاز به توسعه این موضوع در کشور ایران، عدم وجود نظریه در این حوزه و عدم پاسخگویی پژوهش‌های موجود در جامعه به سؤال‌های پژوهش، روش پژوهش مورد استفاده، نظریه

داده‌بنیاد که یک روش استقرایی یعنی روش از جز به کل رسیدن است، انتخاب شد (Myers et al, 2013). روش نمونه‌گیری با توجه به روش تحقیق مورد استفاده از نوع هدفمند بود. روش گردآوری اطلاعات، انجام مصاحبه عمیق بود.

در این پژوهش با هدف گردآوری اطلاعات کیفی و واقعی در مجموع با ۱۰ تن از اساتید متخصص در زمینه‌های مدیریت آموزشی، آموزش، آموزش مهارت‌محور در مدارس که در جدول شماره یک ارائه شده است، مصاحبه صورت گرفت که از مصاحبه شماره ۸ تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شد ولی به منظور اطمینان بیشتر ۱۰ مصاحبه صورت گرفت. گردآوری اطلاعات از فروردین تا مرداد ۱۴۰۱ طول کشید. با توجه به این امر که در این پژوهش یک سؤال اصلی و شش سؤال فرعی در نظر گرفته شده بود، سؤال‌های پروتکل مصاحبه در راستای پاسخ به این سؤالات تدوین شد. لازم به ذکر است که در زمان انجام مصاحبه‌ها علاوه بر یادداشت‌نویسی و ضبط صدا، سؤالات کاوشی نیز با توجه به شرایط مصاحبه و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌شد. برای تحلیل داده‌ها از روش اشتراوس و کوربین استفاده شد. محقق با مقایسه مداوم داده‌ها و نوشتن کلمه به کلمه متن مصاحبه‌ها، یادداشت‌های عرصه و موارد ثبت‌شده و فرایندهای مفهوم‌سازی، تفسیر کردن و تئوری‌سازی، جوهره اصلی اطلاعات کسب‌شده را به دست آورد. هر مصاحبه پیش از مصاحبه بعدی کدگذاری و مورد تحلیل قرار گرفت. برای این منظور مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخاب انجام شد. محقق به دنبال متغیر اصلی و فرایند موجود در داده‌ها بود. مرور مکرر داده‌ها، کدها و طبقات پدیدار شده، یادآورنویسی‌ها و دیاگرام‌هایی که در طول تحلیل داده‌ها نوشته می‌شد به نوشتن داستان اصلی، کمک کرد تا پژوهشگر متغیر اصلی مطالعه را مشخص کند.

برای تأیید پایایی از ضریب کاپای کوهن استفاده شد. مجموعاً ۱۹۸ کد در اختیار این دو کدگذار گذاشته شد و نظرات آنان به صورت زیر گردآوری شد.

جدول ۱. مقادیر توافق و عدم توافق

| ب | | الف | |
|-----|-----|-----|-----|
| بله | خیر | بله | خیر |
| ۱۵۵ | ۷ | ۱۵۵ | ۷ |
| ۸ | ۲۸ | ۸ | ۲۸ |

درصد توافق نظرات برابر تقسیم $28 + 155$ بر جمع 198 که برابر است با مقدار $0/924$ است. در نتیجه $Pr(a) = 0/924$

خواننده الف به 162 کد «بله» گفته است و به « 36 » کد نه گفته است. پس کدگذار الف در $0/818$ بله گفته است. کدگذار ب به 163 کد بله گفته است و به 35 کد خیر گفته است، در نتیجه این کدگذار در $0/823$ بله گفته است. پس احتمال اینکه با هم بله بگویند برابر است $0/818 * 0/823$ که برابر است با $0/673$ و احتمال اینکه با هم نه بگویند برابر است با $0/181 * 0/177$ که برابر است با $0/32$

$$Pr(e) = 0/673 + 0/32 = 0/705$$

$$0/924 - 0/705 = 0/219$$

$$1 - 0/705 = 0/295$$

$$0/219 \div 0/295 = 0/742$$

بر اساس محاسبات ضریب کاپا در این پژوهش برابر با $0/742$ بود. همچنین علاوه بر محاسبه ضریب کاپا برای تأیید پایایی به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت نظریه به داده‌های خام مورد مقایسه و ارزیابی قرار بگیرد. همچنین از تکنیک ممیزی پژوهش نیز استفاده شد که به مکانیسم‌هایی اشاره می‌کند که در طی مراحل پژوهش به منظور تضمین تدریجی پایایی و روایی پژوهش به کار برده می‌شود. این مکانیسم‌ها در همه فرایندها برای ایجاد یافته‌های با اطمینان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

یافته‌ها

در این مرحله، متن هر مصاحبه چند بار مورد مطالعه قرار گرفت و جملات اصلی آن مستخرج و به صورت کدهایی متنی به گفته مشارکت‌کننده و یا کدهای دلالت‌کننده (برداشت پژوهشگر از گفته‌ها) ثبت می‌شد. پس از آن کدهایی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه بودند، به صورت دسته‌هایی درآمدند. تعداد کدهای باز به دست آمده برابر با 198 بود. گام بعدی، کدگذاری محوری بود که عبارت هست از فرایند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌ها فرعی؛ چراکه کدگذاری در محور یک مقوله صورت می‌گیرد و مقوله‌ها را در سطح ویژگی‌ها و بعدها به یکدیگر مرتبط می‌کنند. در این مرحله کدها و دسته‌های اولیه که در کدگذاری باز ایجاد گردیده بودند و با یکدیگر در ارتباط بودند، حول محور مشترکی قرار

گرفتند. لازمه این مرحله مقایسه مداوم کدها است. آنگاه محقق هر طبقه را با سایر طبقات مقایسه می‌کند تا اطمینان حاصل کند که طبقه‌ها از یکدیگر متمایز هستند. سپس با تمرکز کردن بر شرایطی که به پدیده موردنظر منجر می‌گردید، زمینه‌هایی که پدیده در آن روی می‌داد و راهبردهایی که برای کنترل کردن پدیده به کار می‌رفت، کدگذاری انتخابی و متغیر اصلی مشخص گردید. خلاصه‌ای از کدگذاری باز، محوری و انتخابی داده‌های پژوهش در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) داده‌های پژوهش (منبع: پژوهش حاضر)

| مقوله‌های اصلی | مؤلفه‌ها | کدهای باز |
|--|--|---|
| بازیگران کلیدی (۸ کد) | --- | نظام آموزش و پرورش؛ دولت و سیاست‌های دولت؛ سیاست‌گذاران کلان جامعه؛ معلمین (دانش، آمادگی و مهارت)؛ خانواده‌ها؛ دانش‌آموز (هنرجو)؛ مدیران مدرسه؛ کادر اجرایی مدارس |
| فشارهای عصر جدید برای تغییر (۴ کد) | | ظهور نسل جدید (مخصوصاً نسل زد در دنیا و ایران)؛ سرعت و رشد فناوری در جامعه و تغییر و تحولات آن؛ ظهور کسب‌وکارهای جدید و سقوط کسب‌وکارهای سنتی؛ سیاست‌های در حال تغییر در ایران (مخصوصاً نقشه‌ها و راهبردهای آموزش و پرورش) |
| فشار نیازمندی‌های جامعه (۶ کد) | | کمبود ظرفیت جذب دولتی؛ نیاز جامعه (اقتصادی) و نیاز به نیروی کار متفاوت در جامعه؛ نیاز جامعه به کسب‌وکارهای خانگی و روستایی؛ و جو مشکل بیکاری و کاهش نیروی کاری در آینده؛ نیاز اقتصادی افراد جامعه و وجود مشکل فقر و اشیاع مشاغل در جامعه و ظهور مشاغل جدید |
| شرایط علی (۲۱ کد باز) | عملکرد ضعیف نظام آموزشی غیر مهارتی در برابر نظام مهارت‌محور (۸ کد) | عملکرد عالی و مناسب خروجی‌های قبلی نظام مهارت‌محور؛ پیدا نکردن افراد مناسب برای مشاغل در نظام آموزشی غیر مهارتی؛ نداشتن مهارت کافی مستخدمین در نظام غیر مهارتی؛ عدم اعتماد به نفس افراد در مشاغل به دلیل نداشتن مهارت؛ سرخوردگی محصلین در نظام غیر مهارتی نسل قبلی در جامعه به دلیل عدم موفقیت؛ نبود مهارت در تحصیل کنندگان قبلی (عدم توانمندی فارغ‌التحصیلان نظام آموزش غیر مهارت‌محور) و دانش بدون عمل و علم بدون استفاده در نظام آموزشی غیر مهارت‌محور |
| باورهای فرهنگی جامعه (۳ کد) | | تغییر در سطح بینش و دید خانواده‌ها در زمینه تحصیلات و تغییر نگرش مردم جامعه؛ عدم توان ادامه تحصیل برخی از دانش‌آموزان در دانشگاه و ازدواج زودرس دانش‌آموزان مخصوصاً در مناطق محروم و روستایی |

| مقوله‌های اصلی | مؤلفه‌ها | کدهای باز |
|-------------------------|--|---|
| | تسهیل‌کننده زندگی فردی و اجتماعی (۳ کد) | مهارت‌های زندگی محور (مهارت‌های تأثیرگذار در زندگی)؛ مهارت برای رفع نیازهای فردی؛ مهارت مواجهه و حل با مشکلات |
| پدیده محوری (۱۶ کد) | مهارت ارزش‌آفرین و خلق‌کننده ثروت (۶ کد) | مهارت سخت (فنی)؛ مهارت کاربردی و مفید برای جامعه؛ مهارت بازارگرا؛ مهارت اشتغال ساز (منجر به شغل و کار در جامعه شود)؛ مهارت‌های شغلی موردنیاز جامعه (مهارت‌های تأثیرگذار بر شغل)؛ مهارت منجر به درآمد |
| | مهارت انسان‌ساز (۷ کد) | مهارت اخلاقی و رفتاری؛ مهارت علاقه محور؛ مهارت توانمندساز؛ مهارت مبتنی بر کشف استعداد؛ ارتقا استقلال شخصی و فکری؛ مهارت‌های نرم (اخلاقیت محور؛ تفکر نقادانه؛ حل مسئله؛ تصمیم‌گیری؛ همکاری)؛ ترکیبی از مهارت‌ها |
| | سیاست‌گذاری سیستم‌های نوین آموزشی | سیاست‌های آموزش و پرورش (حمایت‌گرانه)؛ طراحی نظام جدید آموزش |
| | ارتقا منابع انسانی مهارت محور (۳ کد) | جو مناسب مدارس مهارت محور (فنی و حرفه‌ای و کاردانش)؛ نیروی انسانی موردنیاز (مدیران، معلمان و هنرآموزان مخصوصاً معلمان و هنرآموزان کارآموزده)؛ انگیزه‌های اجتماعی و فردی هنرجویان |
| شرایط زمینه‌ای (۱۶ کد) | تأمین امکانات و زیرساخت‌های مادی (۳ کد) | بودجه مناسب مدارس؛ تجهیزات و زیرساخت‌های موردنیاز مخصوصاً مدارس بر اساس نیاز (مانند کارگاه و ...)؛ محتوای درسی مناسب و بازمینی محتوای کتب درسی |
| | بستر مناسب تکمیل‌کنندگان آموزش مهارت محور (۵ کد) | داشتن دید مناسب در مؤسسات کاریابی؛ اقتصاد پویا و نیازمند مهارت‌محوری؛ صنعت حمایتگر؛ دانشگاه حامی؛ پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی فعال |
| | باورهای فرهنگی جامعه و خانواده‌ها (۳ کد) | جو روانی جامعه (حامی مهارت‌محوری)؛ جو روانی خانواده (حامی مهارت‌محوری)؛ اولویت بودن مهارت بر تئوری در جامعه |
| شرایط مداخله‌ای (۵۹ کد) | جریان‌های فکری و فرهنگی جامعه (۵ کد) | نگاه منفی به فنی حرفه‌ای و هنرستان؛ نگاه نامناسب و تفکر غلط در جامعه در زمینه آموزش مهارت‌محور؛ شعارزدگی جامعه و بی‌انگیزه بودن در بخش مهارت‌محوری؛ عدم استقبال از رشته‌های جدید در جامعه؛ گرایش جامعه به رشته‌های خاص و توسعه این رشته‌ها در جامعه |

| مقوله‌های اصلی | مؤلفه‌ها | کدهای باز |
|----------------|--|---|
| | باورهای غلط خانواده‌ها (۴ کد) | فشار خانواده و جو روانی آن (قیدویندهای خانواده‌ها)؛ نگاه والدین به دروس نظری (نگرش خانواده)؛ عدم آگاهی خانواده از نظام آموزشی و نمره‌گرایی؛ تصمیمات پدر و مادر (تصمیمات خانواده‌ها برای فرزندان و عدم توجه به علاقه و استعداد هنرجوها) |
| | عدم درک مهارت‌محوری در نظام سیاست‌گذار کشور (۳ کد) | درک نادرست مسئولین کشوری حتی وزارت از مهارت‌محوری؛ نگاه نامناسب مشاوران مدارس؛ درک نادرست مدیران از مهارت‌محوری |
| | ضعف مدیریتی آموزش و پرورش (۳ کد) | به‌کارگیری مدیران ضعیف و نالایق در بدنه آموزش و پرورش کشور؛ عدم آینده‌نگری مدیران آموزش و پرورش؛ عدم توجه دولتمردان و مسئولین آموزش و پرورش به آموزش مهارت‌محور |
| | سیاست‌گذاران کلان (۴ کد) | تصمیمات مبتنی بر منافع حزبی به‌جای منافع ملی؛ وضعیت آشفته و نابسامان برنامه‌ریزی‌های کلان؛ سیاست‌گذاری نادرست جامعه؛ شعارزدگی مسئولان |
| | مشکلات حوزه سیاست‌گذاران آموزشی (۵ کد) | سیاست‌زدگی نظام آموزش و پرورش و سلطه نظام سیاسی بر نظام آموزشی کشور؛ شخص‌محور بودن سیاست‌های آموزش و پرورش؛ طراحی سیستم آموزشی دستوری و از بالا؛ بی‌مهری مسئولان به سیستم فنی حرفه‌ای و هنرستان و توجه صرف به دروس نظری؛ عدم پشتیبانی آموزش و پرورش از آموزش مهارت‌محور |
| | مشکلات اداری آموزش و پرورش (۳ کد) | نظام اداری سنتی در آموزش و پرورش و نظام‌مند نبودن سیستم آموزش کشور؛ نبود سیستم انگیزشی معلمان (در آموزش و پرورش)؛ نبود سیستم ارزیابی عملکرد مناسب در آموزش و پرورش |
| | کمبود منابع برای مهارت‌محوری (۶ کد) | عدم تخصیص بودجه مناسب و کمبود بودجه‌ای مدارس و فشار مالی؛ کمبود امکانات و تجهیزات مدارس مخصوصاً برای رشته‌های جدید تخصصی؛ هزینه‌بر بودن تأمین زیرساخت‌ها مخصوصاً رشته‌های مادر؛ کمبود تجهیزات و امکانات؛ نبود فضای آموزشی مناسب؛ کمبود پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی |
| | مشکلات حوزه هنرآموزان و معلمان (۶ کد) | نبود دوره‌های ضمن خدمت و پویا و دوره‌های ضمن خدمت ناکارآمد؛ عدم آمادگی معلمان و کمبود معلمان کارآموده؛ انگیزه پایین معلمان؛ نوع نگاه معلم‌ها؛ عملکرد ضعیف معلم‌ها در دروس مهارت‌محور؛ از دست رفتن جایگاه معلم در جامعه |
| | فقر منابع آموزشی و علمی | رشته‌های بیش‌ازحد تخصصی‌شده در مهارت‌محوری؛ اهمیت تک‌جانبه دروس نظری؛ محتوای درسی منسوخ‌شده؛ غیرکاربردی و عدم تغییر |

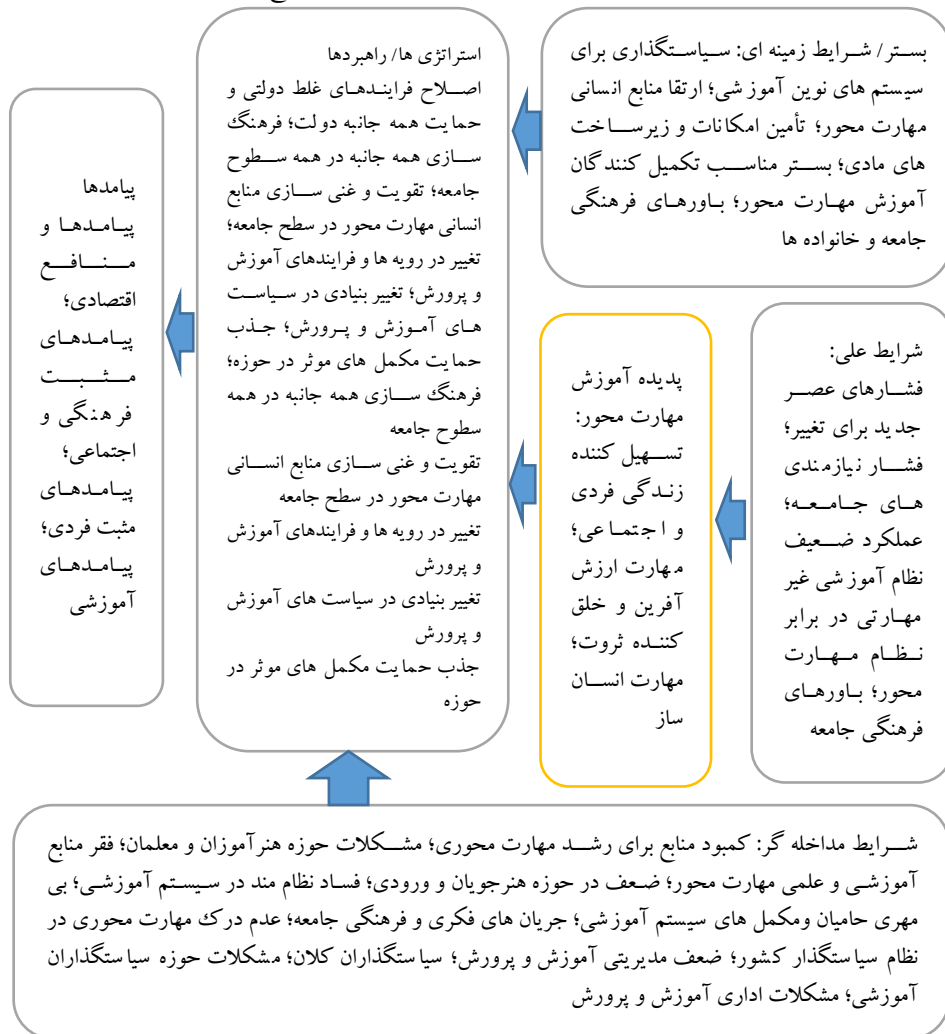
| مقوله‌های اصلی | مؤلفه‌ها | کدهای باز |
|------------------|--|---|
| | مهارت محور (۵) کد) | سرفصل‌ها و عدم انعطاف‌پذیری سرفصل‌های آموزشی؛ به‌روز نشدن سرفصل‌ها متناسب با بازار کار و هزینه‌بر بودن تغییرات؛ کمبود منابع درسی و آموزشی |
| | ضعف در حوزه هنرجویان و ورودی (۴ کد) | ورودی‌های ضعیف مؤسسات (سطح دانش‌آموزان) در فنی و حرفه‌ای و کاردانش؛ کمبود هنرآموز و هنرآموزان غیرتخصصی؛ استعدادیابی نادرست در ورود هنرآموزان؛ عدم ارتباط دانش‌آموزان با محیط کار و عدم درک وی از محیط کار |
| | فساد نظام‌مند در سیستم آموزشی (۳ کد) | رانت و فساد در آموزش و پرورش؛ نظام آموزشی فاسد در بخش خصوصی؛ ذی‌نفعان وضع موجود (مافیای کنکور) |
| | بی‌مهری حامیان و مکمل‌های سیستم آموزشی (۷ کد) | مصرف‌گرا و وارداتی بودن جامعه؛ مسئله مدرک‌گرایی در اشتغال و کار؛ مدرک‌گرایی دولتی در استخدام؛ برون‌سپاری نظام آموزشی توسط دولت؛ عدم تمایل بخش خصوصی به کار با دولت؛ بی‌اعتمادی صنایع به نظام آموزشی کشور؛ عدم هماهنگی نظام آموزشی با صنعت و بخش خصوصی و ضعف ارتباطی؛ عدم حمایت ارگان‌های دولتی و خصوصی از آموزش و پرورش (مخصوصاً عدم حمایت صنعت) |
| | اصلاح فرایندهای غلط دولتی و حمایت همه‌جانبه دولت (۸ کد) | جدا کردن برنامه‌های آموزشی از سیاست کشور (سیاست‌زدایی از آموزش و پرورش)؛ طراحی چشم‌انداز بلندمدت آموزشی برای آموزش و پرورش؛ پرهیز از اهداف و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت؛ تغییر رویه‌ها و قوانین استخدامی دولت به سمت مهارت‌مور؛ افزایش آزمون‌های عملی در استخدام؛ حمایت دولت و تبلیغات گسترده سیاست‌گذاران؛ تبلیغات از رسانه ملی و آموزش و پرورش؛ کاهش مدرک‌گرایی |
| راهبردها (۵۱ کد) | فرهنگ‌سازی همه‌جانبه در همه سطوح جامعه (۷ کد) | فرهنگ‌سازی (خانواده، مشاوران و آموزش و پرورش)؛ تغییر نگاه مشاورین آموزش و پرورش؛ تغییر نگاه مدیران رده‌بالای آموزش و پرورش؛ تغییر باور و نگاه جامعه (خانواده و دانش‌آموز)؛ جلب حمایت خانواده و جامعه از هنرستان؛ کم‌رنگ کردن مسئله نمرات؛ تغییر نگاه کاربایی‌ها |
| | تقویت و غنی‌سازی منابع انسانی مهارت محور در سطح جامعه (۹ کد) | فراهم آوردن اشتغال معلمین در جامعه؛ احیای جایگاه معلم در جامعه؛ اشتراک آموزشی (تجربه و دانش) بین هنرآموزان؛ حمایت اقتصادی معلمین؛ تربیت و به‌کارگیری نیروی متخصص در آموزش و پرورش؛ استفاده از مشاوران زبده‌تر؛ تقویت خروجی مهارتی (توان مهارت‌آموزان)؛ افزایش دوره‌های ضمن خدمت (هم کیفی و هم کمی)؛ آموزش ضمن خدمت قوی (بهبود کیفیت دوره‌ها و کاربردی کردن محتواهای آن) |

| مقوله‌های اصلی | مؤلفه‌ها | کدهای باز |
|-----------------|---|---|
| | تغییر در رویه‌ها و فرایندهای آموزش و پرورش (۹ کد) | استفاده از روش‌های نوین آموزش؛ نزدیک کردن هنرستان به بازار کار؛ برنامه‌های هدایت تحصیلی (استعدادیابی درست)؛ افزایش ساعات مهارت‌آموزی و کاهش دروس غیرضروری؛ تنوع بیشتر در مهارت‌ها؛ تغییر در محتواهای درسی؛ مهارت‌محور شدن کلیه دروس؛ رفتن به سمت مهارت‌های عملی و واقعی و کاربردی کردن؛ تخصصی‌تر شدن رشته‌های دانشگاهی ادامه‌دهنده آموزش مهارت‌محور |
| | تغییر بنیادی در سیاست‌های آموزش و پرورش (۱۲ کد) | تهیه امکانات و تجهیزات موردنیاز و تجهیز کردن مدارس؛ اختصاص بودجه مناسب (سرانه آموزشی مناسب)؛ توسعه نظام آموزش پودمانی؛ آموزش از پایه و شروع سیاست‌گذاری آموزشی از پایه؛ برنامه‌ریزی آینده‌نگر؛ استفاده از ظرفیت‌های محلی - منطقه‌ای؛ سیاست‌گذاری منطقه‌ای آموزش و پرورش؛ سیاست ارتقا معلمان بر مبنای مهارت‌آموزی؛ تغییر متولیان سیستم آموزشی (اعطای حق امتیاز سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری به مسئولان فنی و حرفه‌ای)؛ تغییر رویه‌های اداری آموزش و پرورش؛ برنامه‌ریزی آموزشی همه‌جانبه؛ کاهش فساد و رانت در نظام آموزشی |
| | جذب حمایت مکمل‌های مؤثر در حوزه (۶ کد) | افزایش حمایت فکری ارگان‌های مختلف؛ حمایت صنعت و دانشگاه از مهارت‌های موردنیازشان؛ تقویت مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برای فعالیت در بخش آموزش؛ کسب اعتماد صنایع؛ هماهنگ‌سازی قوانین آموزشی بین ارگان‌های مختلف متولی؛ هماهنگی بین بخش‌های مختلف تأثیرگذار (خصوصی و دولتی) |
| | پیامدها و منافع اقتصادی (۶ کد) | پویایی اقتصاد و کارآفرینی؛ ایجاد اشتغال مخصوصاً اشتغال مبتنی بر علاقه؛ توسعه کسب‌وکارها در جامعه؛ کاهش بیکاری؛ تاب‌آوری اقتصاد کشور و مقابله در برابر تحریم‌ها؛ افزایش بهره‌وری در مشاغل |
| پیامدها (۲۸ کد) | پیامدهای مثبت فرهنگی و اجتماعی (۹ کد) | رشد اجتماعی و فرهنگی جامعه؛ کاهش خشونت اجتماعی؛ کاهش جرم و جنایت؛ کاهش افسردگی؛ کاهش تمایل به استخدام دولتی (کاهش پشت‌میزنشینی و مشاغل اداری)؛ استخدام‌های درست و شایسته در جامعه (شایسته‌سالاری)؛ تعالی و پیشرفت جامعه؛ جامعه پویاتر؛ استقبال عمومی جامعه |
| | پیامدهای مثبت فردی (۹ کد) | رشد و پیشرفت منطقی افراد در جامعه؛ اعتمادبه‌نفس بالاتر (شخصی)؛ امید به زندگی بالاتر (شخصی)؛ کسب درآمد و استقلال؛ افزایش انگیزه دانش‌آموزان؛ نشاط شغلی؛ خستگی کمتر از شغل؛ رضایت شغلی در جامعه؛ کارکردن با انگیزه و علاقه افراد در جامعه |

| مقوله‌های اصلی | مؤلفه‌ها | کدهای باز |
|----------------|-----------------|--|
| | پیامدهای آموزشی | آموزش درست نسل‌های آتی؛ بهبود سطح آموزش در جامعه؛ افزایش |
| | (۴ کد) | بودجه آموزش مهارت‌محور؛ تربیت نیروی کاری ارزش‌آفرین برای جامعه |

شکل زیر پارادایم کدگذاری محوری مدل فرایند کیفی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد و در ادامه نیز اجزای مدل کیفی پژوهش تشریح خواهند شد.

شکل ۱. مدل استخراجی از بخش کیفی با تحلیل داده‌بنیاد (منبع: پژوهش)



بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مشکلات عدیده موجود بر سر راه آموزش کشور، نیاز است تا سیستم آموزش کشور به سمت آموزش‌های کاربردی و مفیدتر نظیر آموزش مهارت‌محور برود. بر همین اساس نیاز است تا با طراحی الگویی مناسب برای آموزش مهارت‌محور بر مبنای نیازهای واقعی کشور، گامی اساسی در این راستا برداشته شود. بر همین اساس، هدف از پژوهش حاضر طراحی الگوی آموزش مهارت‌محور در مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه با استفاده از نظریه داده‌بنیاد بود.

بر همین اساس با استفاده از مصاحبه با خبرگان و روش تئوری داده‌بنیاد، این الگو طراحی گردید. همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، شرایط علی که سبب ایجاد شرایطی برای رفتن به سمت آموزش مهارت‌محور بر مبنای نیازهای واقعی جامعه می‌شود شامل ۴ مؤلفه فشارهای عصر جدید برای تغییر (۴ کد) که این مقوله استخراجی همخوان با پژوهش فرخی فشارهای عصر جدید (۱۳۹۲) و Papier (2020) بود؛ فشار نیازمندی‌های جامعه (۶ کد) که همخوان با پژوهش‌های قاسمیان (۱۳۹۴)؛ لطفی جلال‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸)؛ Care و همکاران (2018)؛ Papier (2020)؛ Jacobs و همکاران (2023)؛ Dogara و همکاران (2020)؛ بود؛ عملکرد ضعیف نظام آموزشی غیر مهارتی در برابر نظام مهارت‌محور (۸ کد) و باورهای فرهنگی جامعه (۳ کد) جامعه ایران که همخوان با پژوهش گودینی (۱۳۹۴) بود. شاید مؤلفه اول که فشارهای عصر جدید است به‌عنوان نوید فردایی بهتر برای نظام آموزشی کشور و جامعه ایران باشد.

یکی از مؤلفه‌های اصلی ظهور نسل‌های جدید از فرزندان در سطح جهانی و در کشور است که خواسته‌ها و نیازهای متفاوتی دارند و این نیازها و خواسته‌های متفاوت بارو حیه تمامیت‌خواهی، جنگندگی و استقلال این نسل سبب خواهد شد که نظام آموزشی به سمت پوست‌اندازی در کشور بود. همچنین رشد روزافزون فناوری در کشور که خود سبب ایجاد کسب و کارهای جدید و سقوط کسب و کارهای سنتی خواهد شد و در نهایت سیاست‌های در حال تغییر در کشور همه این موارد علتی بر موضوع آموزش مهارت‌محور است. دومین عامل علی که فشارهای نیازمندی جامعه نام‌گذاری شد به معنای نیازهای جامعه ایران است که امروزه با بزرگ‌شدن بدنه دولت و افزایش هزینه‌های سرسام‌آور آن، شاهد کاهش ظرفیت جذب دولتی در کشور هستیم، این موارد در کنار اشباع مشاغل کشور در بخش‌های مختلف

به‌عنوان مزید بر علت تغییر و تحولات شده است؛ لذا جامعه ایران نیازمند نیروی کار متفاوت هست. همچنین کسب و کارهای خانگی و احیای مشاغل روستایی در کشور سبب خواهد شد که نیاز به مهارت‌های جدید و متفاوت وجود داشته باشد. یکی دیگر از موارد مشکل‌یکاری کشور و فقر است. علت چهارم عملکرد ضعیف نظام آموزشی غیر مهارتی (فعلی) است. در این نظام آموزشی خروجی مهارت‌محور تربیت نشده است. بسیاری از این افراد که در سال‌های گذشته در این سیستم آموزش دیده‌اند برای استخدام مناسب نیستند، چون مهارتی نداشته‌اند اعتماد به‌نفس کافی نداشته و با استخدام نشدن و در تکاپوی استخدام بودن دچار سرخوردگی شده‌اند. می‌توان گفت نظام آموزش غیر مهارتی نظام آموزشی دانشی بدون عمل و علم بدون استفاده بوده است که سبب ایجاد مشکلات فراوان برای نسل‌های پیشین شده است و این امر علتی برای عبور از آموزش نظری و غیر مهارتی به سمت آموزش مهارتی در جامعه است. موارد بالا سبب شده است تا باورهای فرهنگی جامعه ایران دستخوش تغییراتی شود و بینش و دانش خانواده‌ها در زمینه تحصیلات دگرگون شود و از طرفی با ظهور پدیده‌هایی نظیر ازدواج‌های زودرس در مناطق محروم کشور و همچنین عدم امکان ادامه تحصیل در دانشگاه و دروس نظری شاید مؤلفه‌های مؤثری برای رفتن به سمت نظام آموزش مهارت‌محور شده است. پدیده محوری پژوهش، آموزش مهارت‌محور بود. در بررسی مصاحبه‌ها مشخص شد که آموزش مهارت‌محور دارای سه مؤلفه مهارت تسهیل‌کننده زندگی فردی و اجتماعی (۳ کد)؛ مهارت ارزش‌آفرین و خلق‌کننده ثروت (۶ کد) و مهارت انسان‌ساز (۷ کد) است. مهارت آموزش محور مهارتی است که بتواند بر زندگی فردی شخص تأثیرگذار باشد. مهارتی است که برای رفع نیازهای فردی افراد است و مهارتی است که می‌تواند به حل مشکلات زندگی فرد کمک کند به این معنا که بتواند زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه و هنرجویان را بهبود ببخشد.

مهارت‌محوری یعنی فرد مهارت‌های مختلف فنی، کاربردی و مفید و مناسب بازار را کسب کند و بتواند این مهارت‌ها را در شغل خود به کار ببرد و یا اینکه فرد بتواند برای خوداشتغالی ایجاد کند و خروجی این مهارت این است که برای فرد کسب درآمد خواهد کرد و این به معنای ارزش‌آفرینی و خلق ثروت است. شرایط مداخله‌گر، شرایطی هستند که به‌عنوان مانع بر سر راه آموزش مهارت‌محور در کشور قرار دارند. از جمله این مؤلفه‌ها و اولین آن جریان‌های فکری و فرهنگی جامعه (۵ کد) است. نگاه منفی به فنی و حرفه‌ای و

هنرستان در کشور و تفکرات اشتباهی که در زمینه مهارت‌محوری وجود دارد سبب شده است تا استقبال کافی از این رشته‌ها صورت نگیرد و جامعه ایران گرایش خاص و ویژه‌ای به رشته‌های نظری بیدار کرده‌اند و می‌توان گفت که جامعه ایران در بخش مهارت‌محوری دچار بی‌انگیزگی شده و درگیر شعارگرایی در این حوزه است. مؤلفه دوم باورهای غلط خانواده‌ها (۴ کد) است.

خانواده‌ها نگاه خاصی به دروس نظری دارند و عدم آگاهی آنان نسبت به نظام‌های آموزشی مهارت‌محور سبب شده است تا آن‌ها به سمت نمره‌گرایی بروند و با توجه به تسلط والدین در خانواده‌های ایرانی و تصمیم‌گیرندگی آنان، فشارهای خانواده و جو روانی به‌عنوان موانع ورود دانش‌آموزان به رشته‌های مهارتی و سوق دادن آنان به سمت رشته‌های نظری شده است. شاید بتوان مشکلات دیگری نظیر عدم درک مهارت‌محوری در نظام سیاست‌گذار کشور (۳ کد)؛ ضعف مدیریتی آموزش و پرورش (۳ کد)؛ مشکلات در سیاست‌گذاران کلان (۴ کد)؛ مشکلات حوزه سیاست‌گذاران آموزشی (۵ کد)؛ مشکلات اداری آموزش و پرورش (۳ کد)؛ کمبود منابع برای رشد مهارت‌محوری (۶ کد)؛ مشکلات حوزه هنرآموزان و معلمان (۶ کد)؛ فقر منابع آموزشی و علمی مهارت‌محور (۵ کد)؛ ضعف در حوزه هنرجویان و ورودی (۴ کد)؛ فساد نظام‌مند در سیستم آموزشی (۳ کد) و بی‌مهری حامیان و مکمل‌های سیستم آموزشی (۷ کد) را به‌عنوان مؤلفه‌های دیگر که مانع آموزش مهارت‌محور در جامعه هستند، بیان کردند و این موانع به‌صورت سیستماتیک در بطن جامعه وجود دارند و بیش از ۱۰۰ سال است که با فرهنگ و باورهای جامعه ایران عجین شده‌اند و باید برای پیاده‌سازی نظام آموزش مهارت‌محور واقعی به این مؤلفه‌ها توجه ویژه‌ای گردد. موانع شناسایی شده در این بخش همخوان با پژوهش‌های خاوری و گرزین (۱۳۹۳)؛ صالحی عمران (۱۳۹۳)؛ سلیمی و همکاران (۱۳۹۴)؛ باقری فر و صالحی (۱۳۹۵)؛ ادهم مهدی و شفیعی‌زاده (۱۳۹۵)؛ مقیمی و همکاران (۱۳۹۷) همگی در کدهای مصاحبه‌های پژوهش حاضر جای داشت.

برای ایجاد آموزش مهارت‌محور در کشور باید شرایط زمینه و بستر مناسب آن فراهم شود. برای این منظور مؤلفه‌هایی مانند سیاست‌گذاری سیستم‌های نوین آموزشی (۲ کد) که به سیاست‌های حمایت‌گرایانه آموزش و پرورش و طراحی نظام جدید آموزشی اشاره داشت بیان شد؛ که این مقوله همخوان با پژوهش‌های پژوهش‌های محمدی و رحمانی (۱۳۹۸)؛ اکبری

لنگوری و احمدی بالف (۱۳۹۸) بود. از طرفی مسئله ارتقا منابع انسانی مهارت محور (۳ کد) به عنوان یک بازیگر اساسی در فرایند آموزش مهارت محور مطرح شد که با داشتن نیروهای انسانی مناسب و آموزش دیده و با انگیزه و ایجاد فضای مناسب در مدارس بتوان برای آموزش مهارت محور بسترسازی کرد؛ که این مقوله همخوان با پژوهش Dogara و همکاران (2020) بود.

با توجه به نیاز آموزش مهارت محور به تجهیزات و امکانات و بودجه آموزشی، مؤلفه بعدی تأمین امکانات و زیرساخت‌های مادی (۳ کد) بود که نیاز به تجهیز شدن مدارس، محتواهای درسی و بودجه مدارس را بیان کرد؛ که این مورد همخوان با پژوهش میر قادری (۱۳۹۴)؛ Parry and Hayden (2015) بود.

همچنین بیان شد که باید مکمل‌های نظام آموزشی در کشور که صنعت، اقتصاد، دانشگاه و پژوهش‌سراها و کارایی‌ها هستند باید به سمت حمایت از نظام آموزش مهارت محور حرکت کنند که این یعنی بستر مناسب تکمیل‌کنندگان آموزش مهارت محور (۵ کد) باید ایجاد شود و این امر یک ضرورت مورد نیاز است. در نهایت باید در جامعه فرهنگ‌سازی شود و باورهای فرهنگی جامعه و خانواده‌ها (۳ کد) تغییر داده شود که این به معنای تغییر جو حاکم در جامعه و خانواده‌هاست و این به معنای اولویت قرار دادن مهارت بر تئوری‌ها در جامعه است. در صورت اجرای درست پدیده آموزش مهارت محور در کشور، پیامدهای مثبت آن به جامعه خواهد رسید. از جمله پیامدهای شناسایی شده، پیامدها و منافع اقتصادی (۶ کد) است که به معنای پویایی اقتصاد و توسعه کسب و کارها در کشور است که این امر سبب ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری در جامعه خواهد شد. همچنین مشاغل جامعه بهره‌ورتر شده و اقتصاد کشور در برابر تحریم‌های موجود از تاب‌آوری بالاتری برخوردار خواهد بود.

از دیگر پیامدهای مثبت آموزش مهارت محور، پیامدهای مثبت فرهنگی و اجتماعی (۹ کد) است. در جامعه‌ای که مهارت‌محوری اتفاق بیفتد، سبب کاهش تمایل افراد به پشت‌میزنشینی، استخدام‌های درست‌تر در جامعه، کاهش مشکلات اجتماعی نظیر افسردگی، جرم و جنایت و خشونت خواهیم بود و این جامعه، جامعه‌ای پویاتر، دارای رشد اجتماعی و در نهایت در مسیر پیشرفت و توسعه قرار خواهد گرفت. از دیگر پیامدهای مثبت آموزش مهارت محور، پیامدهای مثبت فردی (۹ کد) است. آموزش مهارت محور سبب ایجاد انگیزه و علاقه در جامعه و افراد، ایجاد انگیزه بیشتر در دانش‌آموزان، استقلال شخصیتی افراد جامعه

و افزایش اعتماد به نفس و امید به زندگی خواهد شد و در نهایت سبب رشد منطقی افراد در جامعه و پیامدهای مثبت شغلی نظیر رضایتمندی و عدم خستگی خواهد شد؛ که این موارد همخوان با پژوهش محمدیان و همکاران (۱۳۹۹) بود.

از دیگر پیامدهای نظام آموزش مهارت محور در جامعه، می‌توان به بهبود سطح آموزش و رشد نیروی کار ارزش آفرین برای جامعه اشاره کرد. این امر خود سبب بهبود فرایند آموزش برای نسل‌های آینده خواهد شد و سبب خواهد شد که بودجه‌های بیشتری برای آموزش مهارت محور در نظر گرفته شده و با استقبال بیشتر نیز سیکل مثبت مهارت محوری در جامعه تقویت شود و می‌توان این گونه بیان کرد که ریل گذاری درستی برای آموزش کشور در چندین دهه صورت خواهد گرفت که منافع بیان شده قبلی را برای جامعه در بر خواهد داشت. برای دستیابی به پیامدهای مثبت آموزش مهارت محور بر مبنای نیازهای واقعی جامعه، ضرورت دارد تا راهبردهایی اجرا شوند که خروجی آن سبب اجرای بهتر آموزش مهارت محور در جامعه شود.

بر این اساس با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته در پژوهش و کدها و مؤلفه‌های استخراجی ۶ راهبرد به عنوان راهبردهای اصلی در نظر گرفته شده‌اند که به عنوان راهبردهای بستر ساز و رفع کننده موانع برای دستیابی به مدل مناسب شناخته می‌شوند. اولین راهبرد شناسایی شده در پژوهش اصلاح فرایندهای غلط دولتی و حمایت همه جانبه دولت (۸ کد) بود. بر مبنای این راهبرد پیشنهاد می‌شود:

۱. باید برای جداسازی برنامه‌های آموزشی کشور از سیاست اقدام کرد و به گونه‌ای آموزش و پرورش کشور را به عنوان یک سیستم مستقل و دور از بازی‌ها، فساد و رانت سیاسی طراحی کرد که این امر سبب ایجاد یک سیستم دارای ثبات، شخصیت مستقل و استقلال، پویا و دور از تنش و درگیری سیاسی خواهد شد.

۲. در صورت جداسازی نظام آموزشی از نظام سیاسی، می‌توان این گونه بیان کرد که دخل و تصرف مدیران سیاسی، عزل و نصب‌های سیاسی، تنش‌ها و درگیری حزبی و ... باید از درون نظام آموزشی کشور پاک‌سازی شود و کار سیاست به سیاستمداران و کارآموزش به نظام آموزشی ارائه شود. می‌توان با ایجاد کار گروه‌های دوجانبه خواسته‌های سیاستمداران و چشم انداز و اهداف آموزشی کشور را در یک راستا و هم جهت به پیش برد.

۳. باید تلاش شود تا چشم‌انداز بلندمدتی برای نظام آموزشی کشور ترسیم شود و از هدف‌گذاری کوتاه‌مدت که سبب اتلاف منابع، سردرگمی در جهت و تلاش‌های بی‌فایده و ثمر می‌شود، جلوگیری شود.
۴. به‌منظور حمایت دولت از نظام آموزشی مهارت‌محور به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در این حوزه، می‌توان به تغییر قوانین و رویه‌های استخدامی، تغییر در محتوای آزمون‌های استخدامی در راستای مهارت‌محوری پرداخت.
۵. همچنین دولت می‌تواند با تبلیغات گسترده، چتر حمایتی خود را از نظام آموزشی مهارت‌محور بگستراند و با بسیج امکانات و منابع کشور در این راستا، به حمایت تبلیغاتی و رسانه‌ای و مالی از این نظام اقدام نماید.
- دومین راهبردهای شناسایی‌شده، فرهنگ‌سازی همه‌جانبه در همه سطوح جامعه (۷ کد) بود. فرهنگ‌سازی کردن سبب خواهد شد که تغییرات جامعه به تغییرات پایدار تبدیل شوند و روندهای موجود در جامعه به سمت اصلاح وضعیت پیش بروند.
۶. باید از خانواده‌ها شروع کرد، با درگیر کردن بیشتر خانواده‌ها در نظام آموزشی در کودکی و در مقاطع پایه می‌توان سطح بینش و دانش آنان از نظام آموزش مهارت‌محور را افزایش داد.
۷. تغییر در دید مشاوران مدارس، بهتر است مشاوران مدارس خود از کارآفرینان و مشاوران کسب‌وکارها باشند، شاید بهتر است در شغل مشاوران مدارس از بوروکراسی‌های اداری مدارس کاست و به سمت پویایی در استخدام این افراد رفت تا افراد دارای دانش و مهارت بالا در این حوزه جذب شوند.
۸. باید پیش از هر اقدامی نگاه مدیران رده بالای آموزش و پرورش را تغییر داد، می‌توان با انتخاب مدیران مهارت‌محور در کوتاه‌مدت و با برگزاری دوره‌های ضمن خدمت کاربردی در حوزه مهارت‌محوری در طولانی‌مدت این باور را در نظام آموزش کشور پیاده‌سازی کرد که می‌توان فعل خواستن را صرف کرد، می‌توان به آنچه می‌خواهیم برسیم و می‌توانیم نظام آموزشی مهارت‌محور را در کشور پیاده‌سازی کنیم.
۹. می‌توان با تغییر در ساختار نظام آموزشی کشور نظیر بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان در عرضه آموزش، با کاستن از اهمیت نمرات نظری به سمت عمل‌گرایی، کاربردگرایی و مهارت‌گرایی حرکت کنیم.

سومین مؤلفه تقویت و غنی‌سازی منابع انسانی مهارت‌محور در سطح جامعه (۹ کد) است، شاید بتوان این‌گونه بیان کرد که نیروی انسانی در سازمان‌ها مخصوصاً سازمان‌های خدمات آموزشی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع و بازیگر نقش‌آفرینی می‌کند. نیروی انسانی پویا، به‌روز، خلاق و باانگیزه و مستعد دانش‌آموزانی مشابه خود تربیت خواهد کرد. بر این اساس سرمایه‌گذاری بر روی هنرآموزان و معلمان توصیه می‌شود و پیشنهاد می‌شود تا:

۱. در گام اول باید جایگاه معلمان و هنرآموزان در جامعه احیا شود. بسیاری از معلمان در جامعه از وضعیت اقتصادی و رفاهی مناسبی برخوردار نیستند و این یعنی معلمی که دغدغه نان و اقتصاد خانواده خود را داشته باشد کمتر به سمت آموزش و کلاس درس فکر می‌کند. از طرفی سرخوردگی معلمان سبب کاهش انگیزه و بر مبنای نظریه برابری آدامز به سمت کم‌کاری و سهل‌انگاری در کار پیش خواهد رفت که با احیای این جایگاه، می‌توان به سمت افزایش خروجی معلمان گام برداشت.

۲. برای افزایش توان معلمان موجود باید از دوره‌های ضمن خدمت متناسب و مفید و کاربردی با ایجاد سیستم ارزیابی عملکرد دقیق و به‌روز استفاده کرد.

۳. باید بسترهای اشتراک دانش و تجربه بین معلمان فراهم شود که این امر یعنی مدیریت دانش در آموزش و پرورش کشور.

۴. در صورت امکان باید بتوان معلمان را مدارس وارد جامعه و فضای جامعه کرد. معلمی که ۳۰ سال فقط با دانش‌آموزان سروکار داشته و از فضای صنعت و اقتصاد و اجتماع دور بوده است از نظر دانش تئوری و مهارت عملی در ۳۰ سال قبل منجمد شده است با فراهم آوردن امکان اشتغال خارج از برنامه آموزش برای معلمان مخصوصاً در رشته‌های فنی (در صورتی که به فرایند آموزش آنان لطمه‌ای وارد نشود)، هم به اقتصاد خانواده این افراد کمک خواهد شد، هم این افراد وارد فضای مهارت‌آموزی و جامعه خواهند شد و هم نیازهای جامعه و بازار کار برای آنان ملموس‌تر خواهد شد و می‌توانند این را در فضای درسی پیاده‌سازی کنند.

چهارمین راهبرد استخراجی تغییر در رویه‌ها و فرایندهای آموزش و پرورش (۹ کد) بود که این به معنای ایجاد یک تغییر در آموزش و پرورش است:

۱. نظام آموزشی کشور باید با رصد سیستم آموزشی دنیا، از جدیدترین متد و شیوه‌های آموزش در دنیا آگاهی یابد و از این روش‌های نوین در جامعه استفاده نمایند.

۲. در سال‌های اخیر برنامه‌های هدایت تحصیلی به‌خوبی مورد حمایت قرار گرفته‌اند، این مسیر باید ادامه یابد و با برنامه‌های درست هدایت تحصیلی باید دانش‌آموزان در مسیر درست قرار بگیرند.
 ۳. باید تلاش شود تا دروس غیر کاربردی تر و غیر ضروری تر در سیستم کاهش یابند و ساعت بیشتری به آموزش‌های ضروری پرداخته شود.
 ۴. بهتر است با ایجاد تغییرات در محتواهای درسی، هم دانش روز وارد سیستم آموزشی شود و هم اینکه دروس به سمت مهارت محور سوق یابند.
 ۵. یا باید آموزش‌های مدارس فنی و حرفه‌ای و هنرستان‌ها عمومی‌تر گردد و یا اینکه روند تحصیلی در دانشگاه‌ها، دارای رشته‌های تخصصی‌تر باشند.
 ۶. باید تلاش شود تا مدارس فنی و حرفه‌ای و هنرستان‌ها به محیط بازار کار؛ صنعت و جامعه نزدیک‌تر شوند.
- پنجمین راهبرد استخراجی تغییر بنیادی در سیاست‌های آموزش و پرورش (۱۲ کد) بود و این به معنای، یک خانه‌تکانی در نظام آموزش و پرورش و سیاست‌های آن است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود تا:
۱. به مدارس فنی و حرفه‌ای بودجه بیشتری اختصاص یابد تا این مدارس بتوانند از پس مخارج و هزینه‌های بالای آموزش مهارت محور برآیند.
 ۲. باید تلاش شود تا نظام آموزش پودمانی در کشور توسعه یابد و این به معنای آموزش مهارت محور برای مخاطبینی که امکان ادامه تحصیل دانشگاهی و یا در سال‌های آتی کمتر است، جذاب‌تر و مفیدتر خواهد شد.
 ۳. باید همانند وزارت علوم که به سمت پایش منطقه‌ای در رشته‌های دانشگاهی در حال حرکت است، آموزش و پرورش هم به ظرفیت‌های منطقه‌ای و محلی توجه کند و بر اساس آن سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای انجام دهد تا رشته‌های مفید و مؤثر برای هر منطقه راه‌انداز و اجرا شوند که هم استقبال بالاتر و هم کاربرد بیشتری برای منطقه و جامعه داشته باشد.
 ۴. باید در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین خط‌مشی‌ها مدیران مهارتی و فنی در بدنه آموزش و پرورش مشارکت داده شوند و یا به‌عنوان تصمیم‌گیرنده و یا به‌عنوان مشاور در تصمیمات اعمال نفوذ نمایند.

۵. برنامه‌ریزی‌های آموزش و پرورش باید آینده‌نگارانه باید صورت بگیرد و باید با طراحی یک برنامه‌ریزی استراتژیک آینده‌نگارانه، رشته‌های راه‌اندازی شده و موجود در راستای رفع نیازهای کشور به‌روزرسانی شوند و سیستم آموزش بر همین مبنا طراحی گردد.
۶. باید تلاش شود تا فساد و رانت موجود در نظام آموزشی کشور پاک‌سازی شده و با تغییر در رویه‌ها به سمت بهبود فرایند آموزش مهارت‌محور حرکت شود.
- ششمین راهبرد برای پیاده‌سازی آموزش مهارت‌محور جذب حمایت مکمل‌های مؤثر در حوزه (۶ کد) است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود تا:
۱. در زمان طراحی رشته‌های آموزشی، برنامه‌ریزی‌های آموزشی و سیاست‌گذاری‌های آموزشی، همه بازیگران تأثیرگذار در فرایند آموزش مخصوصاً آموزش مهارت‌محور مشارکت داده شوند.
 ۲. باید تلاش شود تا با کسب اعتماد صنعت و ایجاد اعتماد در صنعتگران، دید مثبتی به نظام آموزشی مهارت‌محور در آنان ایجاد کرد و از طرفی با رایزنی بتوان حمایت‌های مادی و معنوی آنان را به دست آورد. برای مثال استفاده از ظرفیت خالی کارخانه جات برای برگزاری دوره‌های آموزشی، یا قبول راحت‌تر کارآموزان در کارخانه جات برای انجام فرایندهای کارآموزی و یادگیری شغلی و ... همه از فواید این همکاری‌ها است.
 ۳. باید بر روی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فعال در صنعت تمرکز کرد و با تمام توان صنعتگران و مدیران کارخانه‌ها را به همکاری با مراکز آموزشی مقاطع متوسطه مجاب و مشتاق کرد.
 ۴. باید تلاش شود تا هماهنگی بیشتری بین ارگان‌های مختلف تأثیرگذار بر فرایند آموزش مهارت‌محور صورت بگیرد تا بهره‌وری این آموزش‌ها افزایش یابد.
- این پژوهش دارای محدودیت‌هایی نظیر تعداد کم خبرگان در این حوزه، دسترسی به خبرگان و همچنین عدم امکان مصاحبه‌های حضوری با خبرگان به دلیل شرایط کرونا بود. درنهایت برای پژوهش‌های آینده توصیه می‌شود تا با آزمون کمی مدل پژوهش و همچنین افزایش پژوهش‌های بیشتر در زمینه شناسایی موانع موجود در پیاده‌سازی آموزش مهارت‌محور در جامعه، رفع موانع آموزش مهارت‌محور، طراحی مدل آینده‌نگاری آموزش مهارت‌محور در کشور را برای کشور به همراه آورند.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی ندارند.

سپاسگزاری

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری طراحی الگوی آموزش مهارت محور در مدارس بر مبنای نیازهای واقعی جامعه با استفاده از نظریه داده بنیاد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور است. از تمامی کسانی که در انجام پژوهش نویسندگان را همراهی کردند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

منابع

- ادیب منش، مرزبان، و صدر، آمنه. (۱۴۰۰). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی دانش آموزان دوره ابتدایی. *مطالعات برنامه درسی*، ۱۶(۶۲)، ۲۲۳-۲۵۶.
- اکبری لنگوری، جعفر و احمدی بالف، رقیه. (۱۳۹۸). چرا تکالیف مهارت‌محور، چهارمین *کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش*، محمودآباد.
- ایزدی، احسان، و کوشکی، حشمت. (۱۳۹۷). شناسایی و واکاوی شاخص‌های عمده در زمینه ارتقای مفهومی نظام آموزش‌های مهارتی به نهضت ملی مهارت‌آموزی در کشور ایران با بهره‌گیری از روش AHP. *مهارت‌آموزی*، ۷(۲۵)، ۷۱-۱۰۰.
- باقری‌فر، علی‌اکبر، و صالحی، کیوان. (۱۳۹۵). چالش‌های مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی. *مهارت‌آموزی*، ۴(۱۵)، ۷-۴۰.
- تقوی، سیده زینب، ساداتی، مرتضی، کاکویی، الله بخش، و جمشیدی، امیر. (۱۳۹۴). نیازسنجی آموزش‌های مهارتی بر اساس سند آمایش سرزمین در بخش صنعت (مطالعه موردی: شهرستان‌های ساری و قائم‌شهر). *مهارت‌آموزی*، ۴(۱۴)، ۸۳-۱۰۲.
- خاوری، عبدالله، و گرزین، رضا. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی نظام آموزش مهارتی. *مهارت‌آموزی*، ۳(۱۰)، ۷۷-۹۲.
- سلیمی، قاسم، محمدی، مهدی، و رضایی، اشرف. (۱۳۹۴). ارائه مدلی کاربردی برای بهسازی نظام سنجش مهارت‌های عملی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. *مهارت‌آموزی*، ۳(۱۱)، ۶۷-۹۷.

- صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی مدیریت آموزش‌های مهارتی کشور. *مهارت‌آموزی*، ۲(۸)، ۲۵-۴۸.
- عطارنیا، احمد، خنیفر، حسین، رحمتی، محمدحسین، و جندقی، غلامرضا. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت تدوین خط‌مشی در نظام غیررسمی آموزش مهارتی ایران. *مجله علمی مدیریت فرهنگ‌سازمانی*، ۱۲(۲)، ۳۴۵-۳۷۴.
- فرخی داود. (۱۳۹۲). آینده‌پژوهی در توسعه آموزش‌های مهارت بنیان تقاضامحور. *مهارت‌آموزی*، ۱(۳)، ۱۰۵-۱۳۱.
- قاسمیان الهام. (۱۳۹۴). بررسی نقش آموزش‌های مهارتی بر میزان اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی با کمک تکنیک معادلات ساختاری. *مهارت‌آموزی*، ۳(۱۱)، ۳۳-۴۷.
- کارگر شورکی، هدایت، پاک‌نژاد، فاطمه، و میر غفوری، سید حبیب‌الله. (۱۳۹۶). آینده‌نگاری نظام آموزش مهارتی در پرتو فناوری‌های همگرا. *مهارت‌آموزی*، ۶(۲۱)، ۱۰۹-۱۲۶.
- کاوسی، اسماعیل، و حسینی‌راد، سید مهدی. (۱۳۹۶). ارائه مدلی برای توسعه آموزش‌های مهارتی در سازمان. *آموزش در علوم انتظامی*، ۱۸(۲۴)، ۶۱-۴۰.
- کیا لاشکی، هدایت، خورشیدی، عباس، محمدخانی، کامران، خسروی بابادی، علی اکبر. (۱۴۰۰). ارائه الگوی آموزش‌های مهارتی اثربخش جهت ارتقای آموزش در مراکز علمی کاربردی. *مجله توسعه آموزش جندی شاپور اهواز*، ۱۲(۲)، ۵۹۶-۶۰۸.
- گودینی، وحید. (۱۳۹۴). افزایش میزان گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار به مراکز فنی و حرفه‌ای برای طی دوره مهارت‌آموزی در رشته‌های مختلف و خوداشتغالی در سال‌های اخیر (یک بررسی چهار ساله). *مهارت‌آموزی*، ۴(۱۳)، ۱۰۳-۱۱۰.
- لطفی جلال‌آبادی، مصطفی، فرهادی، علی، روایی، سلطنت، و غلامی، محمود. (۱۳۹۸). طراحی الگوی مهارت‌محوری برای دانشجویان فنی و حرفه‌ای با استفاده از نظریه داده‌بنیاد. *فصلنامه علمی-پژوهشی کارافن*، ۱۶(۴۶)، ۷۱-۱۰۰.
- محمدی، اکرم، و رحمانی، خزران. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر تکلیف مهارت‌محور و خلاق بر میزان یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی. *پژوهش‌نامه اورمزد*، ۴۷، ۲۲۰-۲۳۱.
- محمدیان، یوسف، محمودپور جاسکی، شیما، و سلاجقه، آریتا. (۱۳۹۹). نقش تکلیف مهارت‌محور در پرورش مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی، دومین کنفرانس ملی یافته‌های نوین یاددهی - یادگیری در دوره ابتدایی، بندرعباس، <https://civilica.com/doc/1115732>

مقیم، سید محمد، خنیفر، حسین، اردی بهشت، محمدمهدی، و شریفی، سید مهدی. (۱۳۹۷). ارائه الگوی آموزش مهارت محور جهت توسعه کارآفرینی رسانه‌ای. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۱۱(۴)، ۶۸۱-۷۰۰.

مهدی، رضا. (۱۳۹۴). جایگاه مهارت‌آموزی در دانشگاه‌های نسل سوم. مهارت‌آموزی، ۴(۱۴)، ۱۰۳-۱۱۷.

میرقادری، سید هادی. (۱۳۹۴). بررسی مهارت‌آموزی و اشتغال در خوشه‌های صنعتی از دیدگاه پویایی‌شناسی سیستم. مهارت‌آموزی، ۴(۱۳)، ۱۲۵-۱۳۴.

ناصری آلاشتی، میترا، صفاریان همدانی، سعید، و هاشم نژاد آبرسی، فاطمه. (۱۳۹۹). الگوی بومی‌سازی برندینگ مهارت‌آموزی و کارآفرینی فردی و اجتماعی در مدارس ایران. مدیریت مدرسه، ۸(۳)، ۶۷-۹۴.

نماینده، یعقوب، اختیار وکالتی، رضا، اختیار وکالتی، مهدی. (۱۳۹۷). آموزش بر مبنای کار (WBL) با تأکید بر طرح مدل آموزش در محیط کار مبتنی بر دهکده مهارت. مهارت‌آموزی، ۶(۲۴)، ۱۲۹-۱۳۶.

نوید ادهم، مهدی، و شفیع‌زاده، حمید. (۱۳۹۵). بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و راهبردهای آموزش مهارتی در ایران. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۵(۲۰)، ۷-۲۱.

References

- Adibmanesh, M., & Sadr, A. (2021). Designing an optimal curriculum model for improving the life skills of elementary school students. *Journal of Curriculum Studies, 16*(62), 223-256. DOI: 20.1001.1.17354986.1400.16.62.9.4. [In Persian]
- Akbari Langouri, J. & Ahmadi Balef, R. (2018). Why skill-oriented assignments, the *fourth national conference of new approaches in education and research*, Mahmudabad. [In Persian]
- Attarnia, A., Khanifar, H., Rahmati, M. H., & Jandaghi, G. (2014). Study of Condition of Policy Making in Iranian Nonformal Skills Training System. *Organizational Culture Management, 12*(2), 345-374. doi: 10.22059/jomc.2014.51187. [In Persian]
- Bagheri Far, A. A. (2016). Salehi, Kivan Challenges of Skill Training and Education of Entrepreneurial Students in Technical and Vocational High Schools: A Phenomenological Study. *Skill training, 4*(15), 7-40. URL: <http://faslnameh.irantvto.ir/article-1-173-fa.html>. [In Persian]
- Bakare, S. (2018). Attracting, recruiting, and retaining skilled workers in retail organizations. *International Journal of Social Science and Economic Research, 3*(5), 1745-1755.
- Cameron Frichtel, M. J. (2017). "We Were the Choreographers; the Dance Teachers Were the Helpers": Student Perceptions of Learning in a Dance Outreach Program Interpreted Through a Lens of 21st-Century Skills. *Journal of Dance Education, 17*(2), 43-52.

- Care, E., Kim, H., Vista, A., & Anderson, K. (2018) *Education System Alignment for 21st Century Skills: Focus on Assessment*. Center for Universal Education at The Brookings Institution.
- Dogara, G., Saud, M. S. B., & Kamin, Y. B. (2020). Work-Based Learning Conceptual Framework for Effective Incorporation of Soft Skills Among Students of Vocational and Technical Institutions. *IEEE Access*, 8, 211642-211652.
- Farrokhi, D. (2013). Foresighting in Development of Skill-Based and Demand-Oriented Trainings. *Skill training*, 1(3), 105-131. URL: <http://fasnameh.irantvto.ir/article-1-72-fa.html>. [In Persian]
- Ghasemian, E. (2015). Studying the Role of Skill Training on Employment of University Graduates using Structural Equation Modeling Technique. *Skill training*, 3(11), 33-47. URL: <http://fasnameh.irantvto.ir/articl-85-1-fa.html>. [In Persian]
- Godini, V. (2015). The increasing tendency of college graduate job hunters to attend diverse training courses in technical institutes and self-employment in recent years (a four- years study). *Skill training*, 4(13), 103-110. URL: <http://fasnameh.irantvto.ir/article-138-1-fa.html>. [In Persian]
- Izadi E, koushki H. (2018). Identification and Analysis of Major Indicators for Conceptual Improvement of Skills Training System to National Skills Movement in Iran Using A H P Method, 7(25), 71-100. URL: <http://fasnameh.irantvto.ir/article-1-239-fa.html>. [In Persian]
- Jacobs, B., Taljaard-Swart, H., Marx-Pienaar, N., Diedericks, L., Sonnenberg, N., Donoghue, S., ... & du Rand, G. (2023). Preparing students for the future workplace: how online teaching and learning during the COVID-19 pandemic hone required transferable skills. *Education+ Training*, 65(10), 81-97.
- Kargar Shurki, H. Paknejad, F. Mir Ghafouri, S. H. (2017). Convergent Technologies Foresight in Skill Training System. *Skill training*, 6(21), 109-126. URL: <http://fasnameh.irantvto.ir/article116-1-fa.html>. [In Persian]
- Kavosin. E. & mahdi hoseini rad, S. (2017). Providing a Model for the Development of Skill Training in the Organization. *quarterly journal of training in police sciences*, 5(18), 41-60. [In Persian]
- Khavari, A., & Gerzin, R. (2015). Pathology of Skill Training System. *Skill training* 3(10), 77-92. URL: <http://fasnameh.irantvto.ir/article-104-1-fa.html>. [In Persian]
- Kialashaki, H., Khorshidi, A., Mohammad Khani, K., & Khosro Babadi, A. A. (2021). Provide a Model of Effective Skill Training to Improve Training in Applied Science Centers. *Educational Development of Judishapur*, 12(2), 596-608. doi: 10.22118/edc.2020.256106.1590. [In Persian]
- Kovalevsky, S. (2020). *Exploring Destination Imagination Alumni Perceptions of 21st-Century Skills and Workforce Readiness* (Doctoral dissertation, Walden University).
- Li, L. (2022). Reskilling and upskilling the future-ready workforce for industry 4.0 and beyond. *Information Systems Frontiers*, 1-16.
- Lotfi Jalal Abadi, M., Farhadi, A., Ravaei, S., & Gholami, M. (2020). Designing a Skill-oriented Model for Occupational Students: Using the Grounded Theory. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 16(2), 71-100. Doi: 20.1001.1.23829796.1398.16.46.4.9. [In Persian].
- McGunagle, D., & Zizka, L. (2020). Employability skills for 21st-century STEM students: the employers' perspective. *Higher education, skills and work-based learning*, 10(3), 591-606.

- Mehdi, R. (2016). Skill Training Position in the Third Generation Universities. *Skill training*, 4(14), 103-117. URL: <http://fasnameh.irantvto.ir/article-1-134-fa.html>. [In Persian]
- Mikkonen, S., Pylväs, L., Rintala, H., Nokelainen, P., & Postareff, L. (2017). Guiding workplace learning in vocational education and training: A literature review. *Empirical Research in Vocational Education and Training*, 9, 1-22.
- Mir Qadri, S H.S (2015). significance of Innovative Problem Solving- Based Teaching on Learners' Self-Efficacy Readiness. *Skill training*, 4(13), 125-134. URL: <http://fasnameh.irantvto.ir/article-1-140-fa.html>. [In Persian]
- Moghimi, S. M., khanifar, H., ordibehesht, M. M., & sharifee, S. M. (2019). Providing Skill-Driven Education Model for Media Entrepreneurship Development. *Journal of Entrepreneurship Development*, 11(4), 681-700. doi: 10.22059/jed.2019.276441.652919. [In Persian]
- Mohammadi, A., & Rahmani, K. (2018). Investigating the effect of skill-oriented and creative assignments on the learning rate of primary school students. *Ormazd research paper*, 47, 220-231. [In Persian].
- Mohammadian, Y., Mahmoudpour Jaski, S., & Selajgeh, A. (2019). The role of skill-based assignments in developing the life skills of first grade students, the second national conference on new findings of teaching and learning in the primary grade, Bandar Abbas, <https://civilica.com/doc/1115732>. [In Persian]
- Mulder, M. (Ed.) (2017), *Competence-based Vocational and Professional Education*, Springer, Dordrecht, the Netherlands.
- Myers, M. D. (2013). *Qualitative Research in Business & Management*. Heidarzadeh, Kambiz, Merikhejad Asl, Ali, Tehran: ELM Publication
- Nasari Alashti, M., Safarian Hamdani, S., & Hashem Nejad Abarisi, F. (2020). Localization Branding of Training and Social Personal Entrepreneurship for Model Presentation (A Case Study: Educational Department Mazandaran Province). *School Administration*, 8(3), 94-67. [In Persian]
- Namayandeh, Y. Ekhtiar Vekalati, R. Ekhtiar Vekalati, M. (2017). Work-based training (WBL with emphasis on the design of the training model in the work environment based on the skill village). *Skill training*, 6(24), 136-129. [In Persian]
- Navid Adham, M. Shafizadeh, H. (2015). Examining the most important challenges and strategies of skill training in Iran. *Social and cultural strategy*, 5(20), 7-21. [In Persian]
- Papier, J. (2021). 21st Century competencies in Technical and Vocational Education and Training: Rhetoric and reality in the wake of a pandemic. *Journal of Education (University of KwaZulu-Natal)*, (84), 67-84.
- Parry, J., & Hayden, M. (2015). Skills development: A review with reference to Southeast Asia. *Journal of International and Comparative Education (JICE)*, 67-78.
- Peters, J. (2022). The importance of vocational training for career development”, EHL Insights, available at: <https://hospitalityinsights.ehl.edu/vocational-training-career-development>
- Rakowska, A., & de Juana-Espinosa, S. (2021). Ready for the future? Employability skills and competencies in the twenty-first century: The view of international experts. *Human Systems Management*, 40(5), 669-684.
- Salehi Imran, E. (2014). Pathology of skills training management in Iran. *Skill training*, 2(8), 25-48. URL: <http://fasnameh.irantvto.ir/article-1-143-fa.html>. [In Persian]

- Salimi, Q., Mohammadi, Rezaei, A. (2015). A Practical Model to Improve Iran TVTO's Skill Assessment System. *Skill training*, 3(11), 67-97. URL: <http://faslnameh.irantvto.ir/article-1-87-fa.html>. [In Persian]
- Taqvi, S. Z. Sadati, M. Kakui, A. Jamshidi, A. (2016). Skills Training Needs Assessment Based On Land Use Planning Document in Industry Section (Case Study: Qaemshahr & Sari). *Skill training*, 4(14), 83-102. URL: <http://faslnameh.irantvto.ir/article-1-133-fa.html>. [In Persian]
- Teng, W., Ma, C., Pahlevansharif, S., & Turner, J. J. (2019). Graduate readiness for the employment market of the 4th industrial revolution: The development of soft employability skills. *Education+ Training*, 61(5), 590-604.
- Tharumaraj, J. N., Krishnan, S., & Perumal, R. (2018). Learners' perspective: 21 st century essential fluencies. *English Teacher*, 47(3), URL: <http://faslnameh.irantvto.ir/article-1-104-fa.html>.
- UNESCO Strategy for Technical and Vocational Education and Training (2016-2021), Published in 2016. Organization 7, place de Fontenoy, 75352 Paris 07 SP, Franc.

